

سرمایه فرهنگی و شادی جوانان

غلامرضا خوش فر^۱، حیدر جانعلی زاده^۲، فاطمه اکبرزاده^۳، حمید دهقانی^۴

تاریخ دریافت: ۹۳/۲/۲۵ تاریخ تایید: ۹۳/۴/۶

چکیده

شادی در زندگی جوانان انگیزه، پویایی و تحرک ایجاد می‌کند و به عنوان یک کانال‌باز می‌تواند نقش تسریع‌کننده‌ای در فرایند توسعه جامعه داشته باشد. از این رو با توجه به اهمیت شادی در زندگی جوانان، هدف از این پژوهش مطالعه تأثیر سرمایه فرهنگی و ابعاد آن بر شادی آنها می‌باشد. از آنجا که در باب شادی نظریه واحدی وجود ندارد، یک چارچوب نظری تلفیقی با تأکید بر نظریات بوردیو مطرح شده است. روش پژوهش در این تحقیق پیمایشی است. بدین منظور نمونه‌ای ۳۸۰ نفری از افراد ۱۵ تا ۲۹ سال شهر بابلسر به طور تصادفی انتخاب شده‌اند. داده‌ها با استفاده از دو نوع پرسشنامه (اصلاح شده آکسفورد برای سنجش شادی و محقق ساخته برای سنجش سرمایه فرهنگی) جمع‌آوری شدند. یافته‌های آزمون همبستگی پیرسون نشان می‌دهد که بین متغیر مستقل سرمایه فرهنگی و ابعاد آن با شادی جوانان همبستگی مستقیم وجود دارد. لکن بیشترین همبستگی شادی با بعد عینیت‌یافته و کمترین همبستگی آن با بعد نهادینه شده می‌باشد. همچنین متغیرهای زمینه‌ای (جنسیت، سن و وضعیت تأهل) هیچ کدام با شادی رابطه نداشتند و تنها متغیرهای تحصیلات و پایگاه اقتصادی-اجتماعی با شادی رابطه معنی‌دار داشتند. در آزمون چند متغیره نیز مشخص شد که سرمایه فرهنگی عینیت‌یافته، تحصیلات و پایگاه اقتصادی-اجتماعی در مجموع ۱۱ درصد از واریانس متغیر وابسته شادی را تبیین می‌کنند.

واژگان کلیدی: شادی، سرمایه فرهنگی، سرمایه فرهنگی تجسم یافته، سرمایه فرهنگی عینیت‌یافته، سرمایه فرهنگی نهادینه شده، جوانان، بابلسر.

khoshfarf@yahoo.com

hjc@umz.ac.ir

Iran dokhtakbarzadeh@yahoo.com

Dehghan_Hamid@yahoo.com

۱. استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه گلستان.

۲. استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه مازندران.

۳. دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه اصفهان (نویسنده مسئول).

۴. دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه اصفهان.

مقدمه

واقعیت‌های انکارناپذیری در عصر جدید حکایت از کاهش شادی در جوامع بشری دارند. به گونه‌ای که به نظر می‌رسد در روزگار غریب کنونی، هر قدر هم که سریع گام برداریم باز هم نسبت به سرعت زمانه عقب هستیم. استرس یا تنش در همه جا هست. هیچ کس وقت کافی ندارد. هیچ کس پول کافی ندارد. هیچ کس مطمئن نیست که بتواند شغلش را حفظ کند (تاسیگ و همکاران، ۱۳۸۶: ۵). پیشرفت‌های سریع فن‌آوری و اطلاع‌رسانی، علی‌رغم مزایای فراوان، مشکلات زیادی را برای انسان معاصر به وجود آورده است. حرکت یک بعدی تمدن صنعتی نه تنها از آلام و مصائب روحی بشر نکاسته است بلکه رنج‌های جدیدی را بر دردهای پیشین افزوده است. رنج‌هایی که غالب آنها از مدنیت جدید و زندگی صنعتی مدرنیسم نشأت می‌گیرد. فضایی که در آن، انسان صنعتی روز به روز آشفته‌تر، غریب‌تر و تنهاتر می‌شود، در این دنیای ماشینی که همه چیز از تعادل و توازن خارج شده، تلاش‌های بی‌وقفه، خستگی‌های جبران‌ناپذیر، روحیه‌های بسیار پایین، بیماری‌های روانی و ناهنجاری‌های رفتاری، فقر و تنگدستی، فساد و تباهی، نابرابری‌های اجتماعی و بسیاری از مشکلات روحی-اجتماعی دیگر، هر روز رو به افزایش است و سیر صعودی می‌پیماید (پیل، ۱۳۷۱: ۷). هیچ جای تعجب نیست که تحت فشار قرار گرفتن و درمانده شدن، عباراتی قابل درک برای همگان و واکنش‌های رایج به زندگی مدرن محسوب شوند (تاسیگ و همکاران، ۱۳۸۶: ۵). بر این اساس انسان معاصر در جستجوی شادی، نمی‌داند به کدام گریزگاه پناه ببرد. آیا شادی را باید در ثروت جستجو کرد یا تحصیل یا سایر عوامل مادی؟ آیا شادی در خانواده نهفته است یا در اجتماع؟ آیا شادی ریشه در محیط یا وراثت دارد؟ (آرگایل، ۱۳۸۳: ۱۱).

از سویی، متناسب با معانی فرهنگی شادی و متناظر با انگیزه‌های اصولی آن، به نظر می‌رسد مجموعه فاکتورهایی که شادی را تبیین می‌کنند نیز در هر فرهنگی متفاوت است. مثلاً داینر (۲۰۰۰) در پژوهش خود بر روی ۳۱ کشور نشان داد که عزت نفس در فرهنگ‌های فردگرا، نسبت به فرهنگ‌های جمع‌گرا، ارتباط بیشتری با سطح شادی و رفاه افراد دارد و در کشورهای جمع‌گرا، فاکتورهای شادابی بیشتر حول ساختارها و بافت‌های اجتماعی - فرهنگی همانند: تطابق با فرم‌های اجتماعی، تأمین تعهدات و الزامات خویشاوندی و ... می‌چرخد. همچنین مطالعات انجام شده در آمریکا و اروپا نشان می‌دهد که وقتی افراد به اهداف و موقعیت‌های شخصی ناآل می‌شوند احساس شادی می‌کنند، اما در کشورهای آسیایی زمانی احساس شادی افراد مورد مطالعه افزایش می‌یابد که به اهداف و موقعیت‌های شخصی، همانند اهداف اجتماعی، اهداف خانوادگی، و ... می‌رسند. به عبارت دیگر، در این کشورها، شادی تابعی از اهداف

موفقیت‌آمیزی است که کمتر شخصی و مستقل‌اند (داینر، ۲۰۰۰). یعنی هیجان‌ات و کنش‌های انسان‌ها متناسب با الگوها و رفتارهای فرهنگی، سرمایه‌های فرهنگی و به طور کلی نگرش‌ها و ایستارهای فرهنگی‌ای که منجر به سلیقه‌ها، مهارت‌ها، و به طور کلی شیوه زندگی متفاوت می‌شوند، متغیر و متعدد است.

از همین روی، طرفداران رویکرد فرهنگی معتقدند که فرهنگ به واسطه ابعاد شناختی، حسی و رفتاری که در اختیار افراد قرار می‌دهد، در ایجاد و تثبیت شادی نقشی مؤثر ایفا می‌کند و حتی خرده فرهنگ‌های موجود در فرهنگ که مبتنی بر عقاید، طرز تلقی‌ها و ارزش‌های خاصی هستند، در مواقع مختلف، هیجان‌ات و رفتارهای خاصی را تجویز می‌کنند (داینر و لوکاس^۱، ۲۰۰۰: ۶۱). در همین راستا، سرمایه فرهنگی نیز به عنوان یکی از عناصر برآمده از ساختار اجتماعی- فرهنگی، می‌تواند تأثیر بسزایی در شادی افراد داشته باشد (ربانی و دیگران، ۱۳۸۶). تمرکز اصلی تئوری سرمایه فرهنگی بر این است که فرهنگ از طریق سیستم آموزشی که بازتاب فرهنگ طبقه حاکم است، انتقال یافته و تشویق می‌شود و نهایتاً موجب بازتولید همان فرهنگ خواهد شد. در حقیقت، سرمایه فرهنگی را می‌توان توانایی تصرف و استفاده از کالاهای فرهنگی و نیز توانایی‌های ادبی- گفتاری تعریف کرد. به نظر بوردیو (۱۳۸۴)، سرمایه فرهنگی در درون یک فضای اجتماعی، پخش شده است و سپس به وسیله میراث، انتقال یافته و بالاخره به صورت فرهنگ سرمایه‌گذاری می‌شود. او بر این باور است که سرمایه فرهنگی به سه شکل وجود دارد:

الف) سرمایه فرهنگی تجسم یافته: که به خصائل دیرپای فکری و جسمی اشاره دارد و نمی‌توان آن را به دیگران واگذار کرد. مثل حافظه، مهارت‌های تجربی و رفتاری.

ب) سرمایه فرهنگی عینیت‌یافته: که به شکل کالاهای فرهنگی وجود دارد. این سرمایه قابل انتقال به دیگران است و شامل اشیاء مادی مثل رسانه‌ها، کتاب‌ها، لغت‌نامه‌ها، ادوات و ماشین آلات می‌شود.

ج) سرمایه فرهنگی نهادینه شده: که به کمک ضوابط اجتماعی و بدست آوردن عناوین برای افراد کسب موقعیت می‌کند. مانند مدرک تحصیلی و آموزشی (بوردیو، ۱۳۸۴). هر یک از این سه بعد سرمایه فرهنگی، به گونه‌ای می‌تواند در افزایش پایگاه اقتصادی- اجتماعی، افزایش عزت نفس، افزایش موفقیت و نهایتاً افزایش شادی افراد نقش ایفاء کند. این در حالیست که کاهش معنی‌دار شادی می‌تواند عوارض روانی- اجتماعی در پی داشته باشد و این مسئله نیز خود، سریعتر از هر گروه سنی دیگر، دامنگیر جوانان شده و همچنین نمود احساس شادی و

عوامل موجهه و کاهنده آن در بین جوانان می‌تواند به شادی خانواده او و سپس جامعه او منجر شود. قابل توجه آن است که در کشورهایی همچون ایران که دارای ساخت سنی جوان بوده (طبق سرشماری سال ۱۳۸۵ بیشترین گروه‌های سنی را جوانان ۱۹-۱۵ و ۲۴-۲۰ و ۲۹-۲۵ ساله تشکیل داده‌اند)، جوان بودن جمعیت در عین فرصت تلقی گردیدن تهدید نیز به شمار می‌آید. زیرا با افزایش جمعیت جوان، میزان آسیب‌پذیری این جوامع مضاعف می‌گردد (اسکندری، ۱۳۸۹: ۱۴). لزوم پرداختن به مقوله شادی و عوامل ایجادکننده آن نیز، از همین جا ناشی می‌شود که جامعه از کمبود و یا حتی در مواردی از نبود آن در رنج است و به اعتقاد برخی کارشناسان هم اکنون نشانه‌های صریحی از کمبود شادی و طراوت در افراد جامعه به چشم می‌خورد (طاهریان، ۱۳۸۱: ۴).

بنابراین به دلیل تأثیرات همه جانبه و دامنه‌دار شادی در توسعه و تقویت زمینه‌های رشد و تعالی و همچنین ایجاد مشکلات عدیده روانی-اجتماعی در صورت کمبود یا فقدان آن، در نظر گرفتن این مقوله در سیاست‌گذاری‌ها، مستلزم شناخت و بررسی دقیق و علمی آن است. لذا این تحقیق به دنبال پاسخگویی به این سؤال است که سرمایه‌ی فرهنگی و ابعاد آن (تجسم‌یافته، عینیت‌یافته، نهادی) چه نقشی بر میزان شادی این جوانان دارد؟

مروری بر ادبیات پژوهشی

در دوره‌های مختلف فرهنگی بشر، نظرات متفاوتی در مورد شادی وجود داشته است که آن‌ها را می‌توان اینچنین خلاصه کرد: شادی برابر است با شانس^۱ (عصر هومر^۲)، شادی برابر است با فضیلت^۳ (عصر کلاسیک^۴)، شادی برابر است با بهشت^۵ (قرون وسطی^۶)، شادی برابر است با لذت و خوشی^۷ (عصر روشنگری^۸)، شادی برابر است با یک چیز لذت بخش^۹ (دوران معاصر^{۱۰}) (کسبیر و داینر، ۲۰۰۸: ۱۱۷). یونان باستان مکان و زمانی بود که در آن موضوع زندگی خوب، توجهات فلسفی جدی را به خود مشغول کرده بود. دموکریتوس^{۱۱} ۴۶۰-۳۷۰ قبل از میلاد، می‌گوید که زندگی شاد منحصرًا نتیجه یک سرنوشت مطلوب و یا یک سری حوادث بیرونی نیست بلکه ساخت ذهن انسان

1. luck
2. Homeric era
3. virtue
4. classical era
5. heaven
6. medieval era
7. pleasure
8. enlightenment era
9. warm puppy
10. contemporary era
11. Democritus

ذهن انسان است و در حقيقت او نخستين فيلسوفی است که در جهان غرب به پرسش درباره ماهيت شادي پرداخته است (تاتارکویز^۱، ۱۹۷۶: ۳۸). نگرش ذهن گرایانه دموکریتوس به نظر می‌رسد که در نظر سقراط و شاگردش افلاطون^۲ خیلی خوش نیامد. سقراط، افلاطون و تا حدود زیادی ارسطو، به دنبال پاسخ به این سؤال بودند که انسان چگونه می‌تواند شادمان زندگی کند (دیکی^۳، ۱۹۹۹: ۳). البته افلاطون شادمانی را در اصطلاحاتی مطلق و عینی‌تر، مفهوم‌سازی کرد. اصطلاحاتی همچون تأمین لذت از آنچه که خوب و زیباست (افلاطون، ۱۹۹۹: ۸۰). ارسطو نیز معتقد است که عالیترین خوبی‌های قابل دستیابی از نظر مردم عامی و خواص، شادی است (آیزنک، ۱۳۷۸: ۱۱). در دنیای باستان توافق عمده‌ای وجود داشت مبنی بر اینکه بدون خرد و اخلاق، زندگی خوب دست نیافتنی است. اپیکوروس، عنوان می‌کند که فضیلت و خوشی دو مفهوم مرتبط به هم هستند و زندگی کردن همراه با خوشی، بدون دور اندیشی، شرافتمندی و منصف بودن امکان‌پذیر نیست (اپیکوروس^۴، ۱۹۹۴: ۳۱).

دوره قرون وسطی نیز فیلسوفان مسیحی، شادی را یک امر معنوی می‌دانستند که کنترلش در دست خداوند بود و تنها راه بدست آوردن آن، ایمان به خدا و توکل به او بود. در حالیکه در نظر آنان شادی زمینی نه تنها جایز نبود بلکه این قلمرو الهی بود که، شادی مطلق و همیشگی را وعده می‌داد (تاتارکویز، ۱۹۷۶: ۴۰). این نوع رویکرد دارای این نقطه ضعف مهم بود که به جای اینکه بگوید چه چیزی مردم را واقعا شاد می‌کند، می‌گوید که چه چیزی آنها را باید شاد کند. در قرن هجدهم، یعنی هنگامی که فیلسوفانی از قبیل جان لاک^۵ و جرمی بنتام^۶ گفتند: «شادی مبتنی بر تعداد وقایع لذت بخش است» این جریان وارونه شد (آیزنک، ۱۳۷۸: ۱۶-۱۵)، به گونه‌ای که در عصر روشنگری، ایده شادمانی به طور زمینی و کمتر به صورت آن جهانی رشد یافت. در فرهنگ‌های غربی نیز تأکید فزاینده‌ای بر لذت به عنوان مترادف و راهی به شادمانی بود. ویلیام جیمز^۷ نیز یکی از بخش‌های کتاب خود با عنوان «تجربه‌های مذهبی مختلف» را اینگونه شروع کرده است: اگر این سؤال پرسیده شود که هدف عمده زندگی انسان چیست؟ یکی از جوابهایی که باید دریافت شود، شادی است (نودینگ^۸، ۲۰۰۳: ۷۷).

فلسفه فایده‌گرایی اوائل قرن نوزدهم به درستی چنین تغییر روندهایی را نشان می‌دهد. طبق

1. Tatarkiewicz
2. Plato
3. Dickey
4. Epicurus
5. John Locke
6. Jeremy Bentham
7. William James
8. Noddings

این فلسفه شادی مساوی با فایده و فایده نشأت گرفته از لذت فراوان بود. فایده‌گرایان عنوان می‌دارند که پایه اخلاق و اصول باید «بیشترین شادی برای بیشترین افراد» باشد (اوت، ۲۰۱۰: ۳۵۳). در دوران مدرن این ایده که انسان‌ها حق دارند در جستجو و دستیابی به شادی باشند مورد پذیرش بسیاری قرار گرفت، همانگونه که در اعلامیه استقلال آمریکا نیز عنوان شده است (کسبیر و داینر، ۲۰۰۸: ۱۱۸). به گفته مک ماهان در نظر انسان امروزی شادی بیشتر از آنکه خوب بودن تعریف شود، یک احساس خوب است (مک ماهان^۱، ۲۰۰۶: ۶۵). از همین روی مشاهده می‌شود که مطالعات علمی پیرامون موضوع شادی روز به روز در حال گسترش است و به نظر می‌رسد که شادی باید به یک موضوع مرکزی در علوم اجتماعی تبدیل شود (لایارد^۲، ۲۰۰۳: ۲).

تحقیقات خارجی و داخلی بسیاری درباره شادی انجام شده است. در اینجا تحقیقاتی مطرح شده‌اند که بیشتر در راستای موضوع تحقیق بوده‌اند.

پژوهشی با عنوان «تبیین تفاوت سطوح شادی جوامع» توسط داینر و لوکاس (۲۰۰۰) انجام گرفت تا به این پرسش پاسخ دهد که چه مشخصه‌های اجتماعی و حتی فرهنگی موجب ظهور و تثبیت شادی در جامعه می‌شود. نتایج این تحقیق حاکی از آن است که جوامع بیماری وجود دارند که از طریق عدم کارایی در ایجاد امکانات فرهنگی - اجتماعی و یا به وجود آوردن استانداردهای نسبی برای افراد جامعه، شرایط و زمینه‌های ناخوشایندی را ایجاد می‌کنند و در مقابل جوامع سالمی نیز وجود دارند که در تلاشند تا شرایط شادی و سرزندگی را بیش از سایر کشورها ایجاد نمایند. تحقیقی دیگر با عنوان «چگونه مردم شاد می‌شوند: ارائه برخی مستندات از ایرلند شمالی» توسط برواح^۳ (۲۰۰۶) انجام گرفته. این پژوهش که یک بررسی پیمایشی است به تبیین وضعیت شادی و تعیین عوامل مؤثر بر بروز آن در بین مردم است. محقق بین عوامل عینی (درآمد، وضعیت ازدواج، محیط زندگی، سلامتی جسمی، کیفیت همسایگی، سن، شغل، سطح آموزش و مهارت فرهنگی و غیره) و عوامل ذهنی (رضایت از استانداردهای زندگی، نگرانی‌ها و اضطراب‌های مادی، تجربه فقر، سرمایه اجتماعی، سلامت روانی و...) تمایز و تفکیک قائل شده و معتقد است که در تبیین توأمان عوامل ذهنی و عینی، اگرچه فاکتورهای عینی بر شادی افراد تأثیرگذار است اما اثر مقولات ذهنی بویژه رضایت از استانداردهای زندگی بیشتر و قوی‌تر است.

پژوهش دیگری با عنوان «شادی و رضایت از زندگی در روسیه و اوکراین» توسط آبوت و

1. Mc Mahon
2. Layard
3. Borooah

سپسفورد^۱ انجام شده است. پژوهشگران در این تحقیق دریافتند که سرمایه انسانی (آموزش و استخدام)، شرایط مادی (وضعیت اقتصادی و میزان توانایی در تأمین مایحتاج اساسی)، بافت اجتماعی (حمایت، اعتماد و تعهدات اجتماعی)، قدرت انتخاب و کنترل اجتماعی، سلامتی جسمی و روانی، میزان رضایتمندی از درآمد، امکانات خانوادگی، سلامت وضعیت سیاسی و امنیت همسایگی با میزان شادی و رضایت از زندگی افراد مورد مطالعه دارای رابطه مستقیم است (آبوت و ساپسفورد، ۲۰۰۶: ۲۸۷-۲۵۱). تکاچ و لیوبومیرسکی^۲ (۲۰۰۶) نیز در تحقیقشان با عنوان «مردم چگونه شادی را تعقیب می‌کنند» نتیجه گرفتند که همبستگی اجتماعی و عضویت در نهادهای رسمی و غیر رسمی، گردش و تفریح با خانواده و دوستان، کنترل‌های روانی و تسلط بر اعصاب، تعقیب و دستیابی به اهداف مورد نظر، اوقات فراغت فعال و غیر فعال، عمل به دستورات مذهبی و آرامش در سایه آنها، تلاش و کوشش در جهت احراز مهارت‌های لازم به منظور ایجاد شادی، ۵۲ درصد از واریانس شادی را تبیین می‌کند. «فرهنگ، ادراک بین شخصی و شادی در تعاملات اجتماعی» عنوان تحقیقی است که با تلاش ایشی و دیگران^۳ (۲۰۰۸) به رشته تحریر درآمده است. در این پژوهش آنها تفاوت‌های فرهنگی را مورد بررسی قرار داده‌اند که در فرایندهای بین شخصی با شادی شکل گرفته در تعاملات اجتماعی مرتبط‌اند. این تحقیق نشان می‌دهد که جنبه‌های مهم خود که در روابط بین شخصی وجود دارد، به شادی و تفاوت‌های فرهنگی منجر می‌شود که این تفاوت‌های فرهنگی بر اساس تأکیدی که بر روی گونه‌های متفاوت خود وجود دارد، شکل می‌گیرند.

از تحقیقات داخلی درباره شادی نیز می‌توان به تحقیق ربانی و همکاران (۱۳۸۶) با عنوان «فرهنگ و شادی: رویکردی نظری و تجربی در زندگی روزمره سرپرستان خانوار در شهر اصفهان» اشاره کرد. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که اگرچه میزان سرمایه فرهنگی و سبک‌های فراغتی فرهنگی در بین سرپرستان خانوار، میانگین پایینی دارد اما همواره با احساس شادمانی آنها همبسته است به طوری که به نظر می‌رسد با افزایش آنها، میزان شادی نیز افزایش می‌یابد. اقلیما و ابراهیم نجف‌آبادی نیز (۱۳۹۰) تحقیقی با عنوان «بررسی تأثیر میزان سرمایه فرهنگی در میزان احساس شادی زنان جوان (۱۵-۲۴ ساله) در شهر اصفهان» انجام داده‌اند. یافته‌های این تحقیق نشان داده‌اند ارتباط سرمایه فرهنگی و شادی مستقیم است. در حیطه ابعاد سرمایه فرهنگی، بیشترین تأثیر در بعد وسایل فرهنگی، سپس مهارت‌های فرهنگی، و در نهایت مدارک فرهنگی است. بر اساس نتایج به دست آمده، مهارت فرهنگی دارای بیشترین

1. Abbott & Sapsford
2. Tkach & Lywbomirsky
3. Oishi Et Al.

فراوانی و مدارک فرهنگی دارای کمترین فراوانی است. از سوی دیگر، وسایل فرهنگی دارای بیشترین نابرابری و مهارت فرهنگی دارای کمترین نابرابری در بین زنان جوان است. نتیجه‌گیری کلی از این تحقیقات نشان می‌دهد که عواملی در حوزه‌های فرهنگی مانند گرایش‌های دینی، فضای فرهنگی مناسب (استفاده از وسایل یا امکانات فرهنگی مثل روزنامه‌ها، کتاب، مجلات و...)، تجارب موسیقیایی، اوقات فراغت، امکانات آموزشی، سرمایه فرهنگی و ... می‌توانند بر شادی افراد تأثیر بسزایی داشته باشند. همچنین هر یک از متغیرهای جمعیت شناختی همچون وضعیت ازدواج، سن، تحصیلات، وضعیت اقتصادی (درآمد) و ... به گونه‌ای با شادی افراد همبسته باشند.

مبانی نظری تحقیق

تعاریف شادی

واژه شادی در فرهنگ معین و انوری هم معنی شادمانی، سرور، وجد، سرخوشی، مسرت، خوشی و خوشحالی است (معین، ۱۳۷۶: ۱۹۹۵؛ انوری، ۱۳۸۱: ۴۴۰۲). در زبان انگلیسی نیز واژه شاد و خوشحال^۱ مترادف خوشبخت و خوش‌شانس، خوش‌یمن، خوشایند، رضایت، خشنودی، خوش و باصفا است (لو، ۲۰۰۱: ۴۰۷). ربانی و همکاران (۱۳۸۶) انواع تعاریف مربوط به شادی را به سه دسته تعاریف عاطفی، شناختی و ترکیبی تقسیم کرده‌اند که برخی تعاریف در قالب تقسیم‌بندی زیر ارائه می‌شوند:

تعاریف عاطفی^۲ (هیجانی)

بر اساس این تعاریف شادی و خوشبختی فقط یک احساس است (سلیگمن و رویمن، ۲۰۰۳: ۱؛ به نقل از هزارجریبی و صفری شالی، ۱۳۸۹: ۳۹). احساسی که کارلسون^۳ (۱۳۸۰) آن را عادی‌ترین حالت ذهنی انسان می‌داند. این احساس، عواطف مثبتی شبیه لذت و خوشی در یک لحظه خاص است که افراد آن را مستقیم و بی‌واسطه تجربه می‌کنند. شادی، لذت انسان را افزایش داده و غم انسان را کم می‌کند (سلیگمن و رویمن، ۲۰۰۳: ۱؛ به نقل از هزارجریبی و صفری شالی، ۱۳۸۹: ۳۹). آیزنک نیز با اقتباس از تعریف برادبورن، شادی را حداکثر عاطفه مثبت و حداقل عاطفه منفی تعریف می‌کند. به عبارتی دیگر شادی عبارت است از مجموع لذت‌ها منهای دردها (آیزنک، ۱۳۷۸: ۴۲ و ۱۷۲).

1. Happy
2. affective definitions
3. Seligman & Royman
4. Carlson

تعاریف شناختی^۱

وقتی آدمی نیازهایش ارضاء می‌شود و به چیزهای مورد علاقه‌اش دست می‌یابد، احساس و هیجانی در او پدید می‌آید که از آن به شادی و نشاط تعبیر می‌شود (رحیمی یگانه، ۱۳۸۶: ۲۶). به عقیده کانت، شادی ارضای تمامی امیال است. شوآرز و استراک^۲ (۱۹۹۱) معتقدند که افراد شاد کام، کسانی هستند که در پردازش اطلاعات در جهت خوش‌بینی و خوشحالی سوگیری دارند؛ یعنی اطلاعات را طوری پردازش و تفسیر می‌کنند که به شادمانی آن‌ها منجر شود (آیزنک، ۱۳۷۸: ۱۹). ریو^۳ نیز بر همین اساس شادی را تعریف نموده است: «شادی احساس مثبتی است که از حس ارضاء و پیروزی بدست می‌آید» (ریو، ۱۳۷۶: ۳۶۷). تعریف استاد مطهری نیز در همین راستاست: «سرور، حالت خوش و لذت بخشی است که از علم و اطلاع بر اینکه یکی از هدف‌ها و آرزوها، انجام یافته یا انجام خواهد یافت، به انسان دست می‌دهد» (مطهری، ۱۳۷۴: ۶۶). وینهوون شادمانی را میزانی که یک فرد در مورد مطلوبیت کیفیت کلی زندگی‌اش قضاوت می‌کند، تعریف می‌کند (وینهوون، ۱۹۸۴: ۷). رضایت با دوام از کلیت زندگی، رضایت از زندگی نام دارد و از نظر وینهوون این واژه با عنوان شادی یا حق بهزیستی درونی به کار می‌رود. زیرا هم بادوام است و هم مربوط به کل زندگی است (وینهوون، ۲۰۰۶: ۸). بدین طریق، وینهوون بالاترین حد شادی را زمانی می‌داند که فرد در ارزیابی شناختی خود، از کلیت زندگی خویش راضی است (برولد^۴، ۲۰۰۶: ۳).

تعاریف ترکیبی^۵

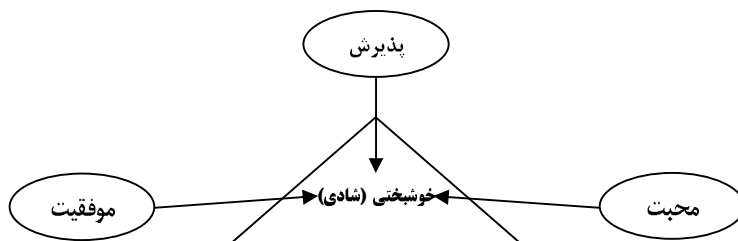
در این گونه تعاریف شادی یک وضعیت روانی پیچیده، هم در بخش شناختی و هم در بخش عاطفی فرض می‌شود، یعنی فرد از یک سو ارزیابی مثبت توأم با شناخت از جنبه‌های متفاوت زندگی خود دارد (رضایت) و از سوی دیگر احساس عاطفی خوب و خوشایندی از زندگی در خود ایجاد می‌کند (ربانی و همکاران، ۱۳۸۶: ۴۷). بر این اساس، سامنر معتقد است که شادی دارا بودن یک نوع خاصی از نگرش‌ها و گرایش‌ها و گرایش‌ها مثبت نسبت به زندگی است که در آن شکل کاملی از شناخت و عاطفه وجود دارد (وینهوون، ۲۰۰۶: ۲۰). اوت بر این نظر است که شادی اغلب تلفیقی از رضایت و خشنودی، آرامش ذهنی، عاطفه و احساس مثبت در مورد زندگی تعریف می‌شود. به طوری که در قالب این ترکیب، همواره زندگی به سمت و سوی بهتر شدن، تجربه می‌شود (اوت، ۲۰۰۵: ۳۴۱). از جمله تعاریف دیگری که در این دسته قرار می‌گیرد

1. cognitive definitions
2. Schwarz & Strack
3. Rio
4. Brulde
5. mixed definitions

تعریف آرگایل است. بنا بر نظر آرگایل (۱۳۸۳) شادکامی از دو جزء اساسی عاطفی و شناختی تشکیل شده است. او بر این باور است که اگر از مردم سؤال شود که منظور از شادکامی چیست، دو نوع پاسخ را مطرح می‌کنند:

الف) ممکن است حالات هیجانی مثبت مانند لذت بردن را عنوان کنند.

ب) به طور کلی آن را راضی بودن از زندگی یا رضایت از بیشتر جنبه‌های زندگی بدانند. آرگایل (۲۰۰۰؛ به نقل از عابدی، ۱۳۸۱: ۳۴) بین احساس خوشی و شادمانی تمایز قائل می‌شود. به زعم وی احساس خوشی یکی از رایج‌ترین شیوه‌هایی است که افراد با آن شادمانی خود را تعریف می‌کنند. در تعریف احساس خوشی آرگایل معتقد است افراد دارای خلق‌های متعدد منفی بسیاری هستند؛ مثل خشم، اضطراب، افسردگی و ... ولی واقعا یک خلق مثبت دارند که تحت عنوان خوشی توصیف می‌شود. در واقع می‌توان گفت شادمانی دارای سه جزء است، یک جزء آن احساس خوشی و دو جزء دیگر آن رضایت از زندگی و عدم وجود عاطفه منفی است. خوشی بعد عاطفی شادمانی است و رضایت بعد شناختی آن است. همچنین روابط مثبت با دیگران، هدفمند بودن زندگی، رشد شخصی و دوست داشتن دیگران از اجزای دیگر شادی هستند (آرگایل، ۱۳۸۳: ۴۵). در همین راستا شعاری نژاد می‌نویسد که پایه‌های خوشبختی و سعادت‌مندی (شادی) در سه چیز است: پذیرش، محبت و موفقیت. پذیرش از سوی اطرافیان، محبت متقابل یا دوست داشتن خود و دیگران، و دوست داشته شدن و موفقیت در رسیدن به هدف (شعاری نژاد، ۱۳۸۷: ۱۰).



شکل شماره ۱: پایه‌های خوشبختی و شادی

(منبع: شعاری نژاد، ۱۳۸۷: ۱۰)

پل مارتین نیز در کتاب شاد ساختن مردم، مشخصه‌ها و مؤلفه‌های مردم شاد را اینگونه بیان می‌کند: « معاشرت پذیری، کفایت و صلاحیت اجتماعی، مهارت‌های ارتباطی، فعالیت معنادار و هدفمند، احساس کنترل، عزت نفس، خوش‌بینی، برون‌گرایی، خوش‌مشربی، شوخ طبعی و ... » (اوت، ۲۰۰۶: ۱۷۴).

سرمایه فرهنگی

مفهوم سرمایه فرهنگی برای اولین بار توسط پیر بورديو طرح گردید. منظور او از سرمایه فرهنگی، عادات و منش، مشرب و خلق و خوی فرهنگی‌ای بود که از خانواده به فرزندان منتقل می‌شود (بورديو، ۱۹۸۴؛ به نقل از کروبی، ۱۳۸۷: ۳۱۳). در واقع، سرمایه فرهنگی دربرگیرنده تمایلات پایدار فرد است که در خلال اجتماعی شدن در فرد انباشته می‌شوند (فاضلی، ۱۳۸۴: ۳۲). بورديو همچنین سرمایه فرهنگی را شناخت و ادراک فرهنگ و هنرهای متعالی، داشتن ذائقه خوب و شیوه‌های عمل متناسب می‌داند (فاضلی، همان: ۳۶).

با تعریفی که بورديو از سرمایه فرهنگی ارائه داد، خیلی زود این مفهوم جای رفیعی در جامعه‌شناسی به کف آورد؛ زیرا فرهنگ را در مرکز بحث‌های قشربندي اجتماعی و طبقات اجتماعی قرار داد که عمدتاً با مقوله‌های اقتصادی مورد سنجش قرار می‌گرفت (کروبی، ۱۳۸۷: ۳۱۳-۳۱۴). به عبارتی می‌توان گفت که اصطلاح سرمایه فرهنگی از قیاس با سرمایه اقتصادی در نظریات و قوانین و تحلیل مباحث مربوط به سرمایه‌داری رواج یافت (روح الامینی، ۱۳۷۲: ۱۱۶). بورديو به ایستارها، ترجیحات و رفتارها به عنوان اشکال سرمایه فرهنگی نیز اشاره داشت. البته او مقوله‌های یاد شده را مفاهیمی هم‌عرض سرمایه فرهنگی تلقی می‌کرد (کروبی، ۱۳۸۷: ۳۱۴). در حقیقت او سرمایه فرهنگی را انواع گوناگون دانش مشروع می‌دانست (ریترز، ۱۳۷۴: ۷۲۵). به طور کلی، به نظر بورديو سرمایه فرهنگی می‌تواند به سه شکل وجود داشته باشد:

۱- سرمایه فرهنگی تجسم‌یافته (درونی شده) یا ذهنی^۱: تمایلات و گرایشات روانی فرد نسبت به استفاده از کالاهای فرهنگی را شامل می‌شود (شارع پور و خوش فر، ۱۳۸۱: ۱۳۴) و بیانگر چیزهایی است که افراد می‌دانند و می‌توانند انجام دهند (نوغانی، ۱۳۸۶: ۷۸). در واقع، سرمایه فرهنگی درونی شده، توانایی‌های بالقوه‌ای است که به تدریج بخشی از وجود افراد شده‌اند و در او تثبیت گردیده‌اند (خدایی، ۱۳۸۸: ۶۹). به عبارت دیگر، نوعی ثروت بیرونی است که به عنوان بخش جدایی‌ناپذیری از فرد درآمده است و با شخصی که در آن تجسم می‌یابد ارتباط نزدیک دارد. این همان بخشی است که بورديو آن را ابعاد سرمایه فرهنگی همراه با تولد می‌نامد که نمی‌توان آنرا از طریق هدیه، خرید یا مبادله به دیگری منتقل نمود. این نوع سرمایه به صورت آمادگی‌های مداوم ذهن و جسم تجلی می‌یابد (شارع پور و خوش فر، ۱۳۸۱: ۱۳۷).

۲- سرمایه فرهنگی عینیت‌یافته^۲: شامل میزان مصرف کالاهای فرهنگی و اشیاء مادی مانند کتاب، نقاشی و آثار هنری است (شارع پور و خوش فر، همان: ۱۳۴؛ نوغانی، ۱۳۸۶: ۷۸؛

1. embodied
2. objectified

خدایی، ۱۳۸۸: ۷۰). سرمایه فرهنگی تجسم‌یافته لازمه سرمایه فرهنگی عینیت‌یافته است؛ یعنی باید امکانات لازم همراه با افراد واجد شرایطی که لازم و ملزوم یکدیگرند، شکل بگیرد تا از طریق آن سرمایه فرهنگی عینیت یافته نمود یابد. این نوع از سرمایه فرهنگی از بدیهی‌ترین و آشکارترین نوع سرمایه فرهنگی است که افراد جامعه می‌توانند از آن بهره‌مند گردند. یکی از ویژگی‌های بارز آن قابل انتقال بودن آن است و بدین جهت این نوع سرمایه به نوعی در شکل اقتصادی هم مطرح است. باری شاید بتوان همه اشیاء و کالاهای فرهنگی را سرمایه فرهنگی عینی نامید (رمضانی، ۱۳۸۴: ۲۸).

۳- سرمایه فرهنگی نهادینه شده^۱: صلاحیت‌های تحصیلی است که در قالب مدارک و مدارج تحصیلی و علمی - فرهنگی نمود عینی پیدا می‌کنند (خدایی، ۱۳۸۸: ۷۰؛ شارع پور و خوش فر، ۱۳۸۱: ۱۳۴). و به دارنده آنها هم از نظر قانونی و هم از نظر عرفی ارزش اجتماعی و تعریف شده می‌دهد (نوغانی، ۱۳۸۶: ۷۸). این نوع سرمایه فرهنگی از یک طرف وابستگی و ارتباط متقابل شدید با نوع اول سرمایه (تجسم‌یافته) دارد و قبل از هر چیز لازمه آن وجود افراد مستعد در جهت کسب انواع مدارک تحصیلی، دانشگاهی و یا آموزشی است و از طرف دیگر وابسته به نهادهایی است که هم آن مدارک را صادر می‌کنند و هم به آن رسمیت می‌بخشند. این نوع سرمایه از قوانین و مقررات نهادینه شده حاصل می‌شود و برای دارنده آن پایگاه اجتماعی ایجاد می‌کند، مانند مدارک تحصیلی، تصدیق حرفه و...؛ به عبارت دیگر این نوع سرمایه مرتبط با مدارج آموزشی و امتیازات است و به دارنده آن مدارج ارزشی متعارف، قانونی، دائمی و ضمانت شده اعطا می‌کند (تاجبخش، ۱۳۸۴: ۱۴۶).

سرمایه فرهنگی بدان سان که بورديو آن را به کار برده است، علاوه بر طبقه اجتماعی، پیشینه خانوادگی، تعهد به پیشرفت، تعلیم و تربیت و نظایر آن‌ها را نیز در بر می‌گیرد (کروبی، ۱۳۸۷: ۳۱۳). همچنین در نظر بورديو صلاحیت‌ها، توانایی‌های فکری و گواهی یا مدارک تنها نمایانگر نوع خاصی از سرمایه هستند که در اکثر موارد به سرمایه اقتصادی افزوده می‌شوند. برای مثال، یک عامل مهم در تشدید رقابت جهت بدست آوردن صلاحیت‌های تحصیلی بدون شک آن است که افراد طبقه مسلط و طبقه متوسط با کمک سرمایه اقتصادی حداکثر استفاده را از آموزش برای بازتولید اجتماعی خود می‌برند (نوغانی، ۱۳۸۶: ۷۸). بورديو و بولتانسکی^۲ نیز خاطر نشان ساخته‌اند که در استراتژی باز تولید طبقات صاحب سرمایه تغییراتی ایجاد شده است. به نظر آنها قبلاً طبقات مسلط تداوم موقعیت‌شان را از طریق انتقال مستقیم سرمایه اقتصادی به فرزندان‌شان به واسطه‌ی قوانین ارث تضمین می‌کردند. اما حضور گسترده

1. institutionalized

2. Boltansky

مدیران در عرصه قدرت، بکارگیری افراد بر پایه‌ی معیارهای عقلایی را غیر قابل اجتناب نموده است و تقاضا برای دستیابی به فرصت‌های برابر باعث شده است که طبقات مسلط در روش بازتولید طبقاتی خود تغییر ایجاد نمایند. آنها عنوان می‌کنند که لازمه‌ی استراتژی جدید بازتولید طبقات مسلط، دسترسی به آموزش عالی است (همان: ۷۹). بر همین اساس، ویژگی بارز نظریه سرمایه فرهنگی بورديو، تحلیل ساز و کار موفقیت‌های تحصیلی با توجه به میزان برخورداری گروه‌ها و طبقات اجتماعی از این سرمایه می‌باشد. دانش آموزانی که سرمایه فرهنگی بیش‌تری دارند (دانش آموزان خانواده‌هایی که مهارت‌ها و برتری‌های فرهنگی مسلط را در اختیار دارند) بهتر می‌توانند قواعد بازی را رمزگشایی کنند و مهارت‌ها و برتری‌های فرهنگی را که در مدارس پاداش می‌گیرند در خود پرورش دهند و بنابراین بهتر می‌توانند به سطوح بالای تحصیلی برسند (خدایی، ۱۳۸۸: ۶۹).

چارچوب نظری

پژوهش‌های مربوط به شادی از طریق تئوری یا نظریه هدایت و سوق داده نشده‌اند. اگرچه مباحثاتی راجع به تبیین یافته‌های خاص وجود داشته است و احتمالاً برخی از آنها برای تبیین به بیش از یک نظریه نیاز دارند (آرگایل، ۱۳۸۳: ۳۴۳). در چارچوب نظری این تحقیق نیز سعی شده است با کمک نظریات و تحقیقات و آراء مختلف به تبیین موضوع پرداخته شود. یکی از نظریات استفاده شده نظریه بورديو است.

با توجه به آنکه در نظر بورديو تحصیلات نمودی از سرمایه فرهنگی است (فاضلی، ۱۳۸۴: ۳۲) و بسیاری از مطالعات انجام شده در آمریکا نیز دریافته‌اند که میزانی از همبستگی بین خوشبختی و تحصیلات وجود دارد (آرگایل، ۱۳۸۳: ۲۲۹)، می‌توان به رابطه بین سرمایه فرهنگی و شادی اشاره کرد. در این مطالعات، تحصیلات به وسیله تعداد سال‌های تحصیل یا بالاترین مدرک تحصیلی کسب شده، ارزیابی شده است و مشخص شده است که مردم در کشورهایی که بیشترین میزان تحصیلات و بالاترین میزان اطلاعات را دارند شادترند (وینهوون، ۱۹۹۷: ۳۷). البته این فرضیه نیز مطرح است که تأثیر تحصیلات در کشورهای فقیرتر، بیشتر است (آرگایل، ۱۳۸۳: ۲۲۹). مینکو در مقاله «پیش‌بینی تفاوت‌های خوشبختی ذهنی، در میان ۹۷ کشور» به نکته‌ی دیگری در این زمینه اشاره می‌کند. او از دانشجویانش می‌پرسد که چرا بلغارها و یا دیگر اروپایی‌های شرقی نمره پایینی در شادی دارند، استدلال دانشجویان آن است که آنها خیلی فقیر و به شدت بی‌نظم هستند. ولی مینکو در پاسخ می‌گوید که پس چرا بالاترین نمرات شادی در فقیرترین ملت‌های آمریکای لاتین و بعضی کشورهای شبه قاره آفریقا به دست آمده است. پاسخ معمول این سؤال این است که اروپایی‌های شرقی نسبت به آفریقایی‌ها و آمریکایی‌های

لاتین تبار، بهتر آموزش دیده‌اند و تحصیلات بالاتری دارند، در نتیجه انتظارات آنها بیشتر و به مراتب، شادی آنها کمتر است (مینکو، ۲۰۰۹: ۱۵۶). بنابراین می‌توان گفت که تأثیر تحصیلات بر شادی مستقل از رونق اقتصادی نیست (وینهوون، ۱۹۹۷: ۳۷). در همین راستا، ویترو و همکاران^۱ (۱۹۸۴) دریافتند که تحصیلات، روی میزان خوشبختی افراد تأثیر دارد، تحصیلات در ابتدا با تحت تأثیر قرار دادن شغل و نه درآمد ایفای نقش می‌کند و جدای از این، تأثیر بسیار کمی دارد، اگرچه شغل به نوبه خود سطح درآمد را تحت تأثیر قرار می‌دهد. روس و وان ویلیگن^۲ (۱۹۹۷) نیز در یک نمونه از جامعه آمریکا دریافتند که تحصیلات بر خوشبختی افراد، بهداشت روانی و جسمی آنها اثر مثبت دارد. این امر از طریق بدست آوردن شغل رضایت‌بخش، افزایش کنترل و دستیابی بهتر به ازدواج و سایر حمایت‌های اجتماعی می‌باشد (آرگایل، ۱۳۸۳: ۲۳۰-۲۲۹).

از طرفی، بورديو در تحليل موفقیت‌های تحصیلی طبقات مختلف اجتماعی یادآور می‌شود که همگام با گسترش سریع آموزش عالی، سرمایه فرهنگی به عنوان یک نیروی جدید در فرایند پایگاه- موفقیت افراد وارد عمل می‌شود (نوغانی، ۱۳۸۶: ۸۰). در این میان، طبقات مسلط نسبت به سایر طبقات سهم بیشتری از سرمایه فرهنگی می‌برند و بیشتر قادر خواهند بود که این نوع سرمایه را در فرزندانشان به ودیعه بسپارند (خدایی، ۱۳۸۸: ۶۹). دیگر مطالعات نشان می‌دهند که افراد متعلق به طبقات بالاتر در مقایسه با افراد متعلق به طبقات پایین‌تر شادترند و کلا پایگاه اجتماعی شاهره شادی تلقی می‌شود (آیزنک، ۱۳۷۸: ۱۱۳). بدین ترتیب، کسانی که دارای سرمایه فرهنگی بیشتری هستند - که طبیعتاً پایگاه اقتصادی- اجتماعی بالاتری نیز دارند- موفق‌ترند و این موفقیت نیز باعث سرور و شادمانی آنها می‌شود (آرگایل، ۱۳۸۳: ۵۹). از سوی دیگر، سرمایه فرهنگی همچنین می‌تواند حاصل مهارت‌ها و تجربه‌هایی باشد که مجوز ورود به عرصه‌هایی را برای شخص و گروه‌ها فراهم سازد (خواجه نوری و مقدس، ۱۳۸۷: ۱۴۰). رضایت و شادی نیز تا حدودی به استفاده از این مهارت‌ها و موفقیت‌ها بستگی دارد. و این صرفاً به خاطر دریافت پاداش نیست، بلکه از انجام کار ماهرانه رضایت درونی حاصل می‌شود. در واقع، مردم از فعالیت‌هایی مثل شنا، اسکی و به کار بردن مهارت‌های خود لذت می‌برند. این موضوع با ایده‌های سیکزنتمیهایلی^۳ (۱۹۷۵) در مورد رضایت ناشی از ارائه مهارت‌های ضروری تناسب دارد. عملکرد ماهرانه در فعالیت‌های تفریحی احتمالاً می‌تواند از طریق افزایش عزت نفس موجب رضایت شود. این موضوع می‌تواند ناشی از اجرای موفق و یا ناشی از شرکت صرف در این گروه‌ها باشد یا ناشی از

1. Witter Et Al.

2. Ross & Van Willigen

3. Csikszentmihalyi

پوشیدن لباس یا فرم مرسوم گروه، عضو گروه خاص بودن، و شرکت در گروه‌های تفریحی با خرده فرهنگ‌های خاص خودشان باشد. کلی^۱ چنین مطرح می‌کند که: «یک سفالگر نه تنها از محصولش و تجربه اینکه چیزی خلق می‌کند، احساس معنا می‌کند، بلکه از اینکه یک سفالگر است و مهارت‌هایش را تمرین می‌کند لذت می‌برد» (آرگایل، ۱۳۸۳: ۲۰۶).

باومن نیز به عنوان یکی از جامعه‌شناسان پست مدرن نیز بر همین امر اشاره دارد. او بر این باور است که راهبرد خوشحال‌تر کردن مردم از طریق صرفاً افزایش درآمدشان، جواب نمی‌دهد (باومن^۲، ۲۰۰۹، ۲). امری که بسیاری از افراد را خوشحال می‌سازد و احتمالاً برای شادی گمگشته هر کسی ضروری است؛ افتخار کردن به «انجام دادن کار به درستی» و با زبردستی، هوشمندی و مهارت است. در دراز مدت، مهارت‌هایی که به دست آمده‌اند و توانایی یاد گرفتن مهارت‌های جدید به همراه لذت ارضاء از بیوغ کار انسانی و نقش حیاتی اعتماد به نفس، به همراه شادی از طریق خودباوری ارائه می‌شود (باومن، ۲۰۰۹: ۷).

به طور کلی، سرمایه فرهنگی افراد زمینه‌های ارزیابی و تفسیر متفاوت رویدادها و به عبارتی دانش‌های متفاوتی را برای آنان فراهم می‌کند که این مقوله براساس دیدگاه‌های شناختی - که بروز و ظهور هیجانات را تولید تفکر انسان، نوع تفسیر او از رویدادها و به طور کلی بازتاب نوع ادراک او از وقایع می‌داند- هیجانات متفاوتی در افراد و گروه‌های متعدد ایجاد می‌کند. بنابراین میزان دسترسی افراد به سرمایه‌های فرهنگی موجب احراز نوع خاصی از سبک زندگی توسط آنها می‌شود. آنچنان که سبک زندگی افراد مجموعه تفکرات، تفاسیر و ادراکات آنها را تشکیل می‌دهند و آن بر بروز هیجانات خاص (شادی، غم و...) مؤثر واقع می‌شود (ربانی و همکاران، ۱۳۸۶: ۵۶).

از دیگر متغیرهای تأثیرگذار بر شادی، متغیرهای جمعیت‌شناختی هستند. در بالا به مکانیسم تأثیر یکی از آنها یعنی تحصیلات بر شادی افراد اشاره شد. متغیرهای جنس، سن، پایگاه اقتصادی- اجتماعی، وضعیت تأهل از دیگر متغیرهای مستقل این تحقیق به شمار می‌روند. به گونه‌ای می‌توان گفت که وضعیت اقتصادی بر نشاط تأثیر دارد تا اندازه‌ای که نیازهای مادی افراد را برطرف سازد. آرگایل معتقد است که بین درآمد و نشاط ارتباط مثبت وجود دارد و این ارتباط بین افراد کم درآمد بیشتر است. از سویی تحقیقات نشان داده‌اند که شادی در بزرگسالان ارتباط زیادی با وضعیت تأهل دارد. لوپری و فرایدرس^۳ (۱۹۸۱) روند زندگی ناشویی و ارتباط آن با میزان نشاط را به شکل U تصور می‌کنند. آنها معتقدند که هنگام

1. Kelly

2. Bauman

3. Lupri & Frideres

تصمیم گرفتن برای ازدواج شادی فرد افزایش پیدا می‌کند، وقتی که ازدواج صورت می‌گیرد از شادمانی ایجاد شده کاسته می‌شود و این کاهش تا زمانی که فرزندان به سن نوجوانی می‌رسند ادامه دارد. بعد از این دوره نشاط مجدداً سیر صعودی می‌یابد تا به سطح اولیه خود می‌رسد. ماستکاسا^۱ (۱۹۹۴) تفاوت میزان نشاط افراد مجرد و متأهل را اینگونه توضیح می‌دهد. اولاً طلاق و جدایی استرس‌زا و ناخوشایندند. دوماً ازدواج مزیت‌هایی برای فرد ایجاد می‌کند که در غیر این صورت از آنها محروم است (آرگایل، ۱۳۸۳).

جنسیت نیز موضوع تحقیقات زیادی در ارتباط با نشاط بوده است. داینر و همکاران (۱۹۹۹) معتقدند که میزان نشاط زنان و مردان برابر است. اما هنگامی که افسردگی را در نظر می‌گیریم، موضوع تا حدودی پیچیده می‌شود. به این نحو که با وجود شادی یکسان زنان و مردان، افسردگی در زنان بیشتر از مردان است. تبیین این امر توسط داینر و همکاران این است که زنان هم عاطفه منفی و هم عاطفه بیشتری تجربه می‌کنند، بنابراین برآیند این دو عاطفه، شادی زنان و مردان را یکسان می‌سازد. سن نیز یکی دیگر از متغیرهای زمینه‌ای این تحقیق است. تحقیقات نشان داده‌اند که معمولاً جوانان شادتر از سالمندان هستند. در این زمینه آیزنک به تحقیق نورمن بردرن اشاره می‌کند که ۳۸ درصد افراد در بیست سالگی خود را بسیار شاد می‌دانند در حالیکه ۳۱ درصد کسانی که در سی سالگی به سر می‌برند و ۳۰ درصد کسانی که در چهل و پنج سالگی به سر می‌برند، چنین احساسی را بیان کرده‌اند. میزان شادی هر چقدر سن افزایش یابد، کمتر نیز می‌شود (آیزنک، ۱۳۷۸).

فرضیات پژوهش

(الف) به نظر می‌رسد سطح برخورداری جوانان شهر بابلسر از سرمایه فرهنگی بر میزان شادی آنان تأثیر دارد.

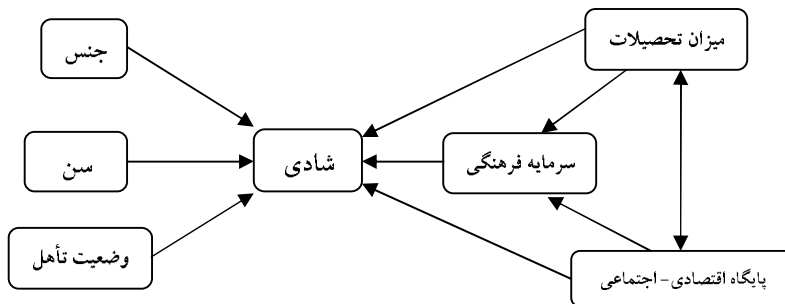
(ب) به نظر می‌رسد در بین ابعاد سرمایه فرهنگی بعد عینیت‌یافته، نقش مؤثرتری بر میزان شادی جوانان دارد.

(پ) به نظر می‌رسد برخورداری از سرمایه فرهنگی تجسم‌یافته بر میزان شادی جوانان تأثیرگذار است.

(ت) به نظر می‌رسد برخورداری از سرمایه فرهنگی نهادینه شده بر میزان شادی جوانان تأثیرگذار است.

(ث) به نظر می‌رسد بین متغیرهای زمینه‌ای (جنسیت، سن، وضعیت تأهل، تحصیلات و پایگاه اقتصادی-اجتماعی) و شادی جوانان رابطه معنی‌داری وجود دارد.

مدل تحقیقی تحقیق



شکل شماره ۲: مدل تحقیق

روش‌شناسی تحقیق

روش تحقیق در پژوهش حاضر، پیمایش است و واحد تحلیل نیز در این تحقیق، فرد پاسخگو (جوان) می‌باشد و سطح تحلیل نیز خرد است. همچنین این پژوهش از نظر هدف، یک بررسی کاربردی، از نظر وسعت پهنانگر (شهر بابلسر) و از نظر زمانی یک بررسی مقطعی (شش ماهه اول سال ۱۳۹۰) است. ابزار مورد استفاده برای جمع‌آوری داده‌ها، پرسشنامه می‌باشد. جامعه آماری این تحقیق را کلیه جوانان ساکن شهر بابلسر که در دامنه سنی ۱۵-۲۹ سال قرار دارند، تشکیل داده‌اند که براساس نتایج آخرین سرشماری اداره بهداشت شهرستان بابلسر در سال ۱۳۸۷، این تعداد برابر با ۱۷۴۹۲ نفر بوده‌اند. همچنین برای انتخاب نمونه از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای طبقه‌ای متناسب استفاده شده است و حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران ۳۷۶ نفر می‌باشد. البته برای جلوگیری از کاهش حجم نمونه، در مجموع تعداد ۴۵۰ پرسشنامه تکثیر و توزیع شد و نهایتاً ۳۸۰ پرسشنامه با استفاده از نرم افزار SPSS مورد بررسی واقع گردید. همچنین در پژوهش حاضر از اعتبار محتوا^۱ استفاده شده است. برای تعیین روایی این تحقیق از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده است. نتایج آلفای کرونباخ برای متغیرهای مختلف تحقیق در جدول شماره ۱ آمده‌اند:

جدول شماره ۱: نتایج آلفای کرونباخ برای متغیرهای مستقل و وابسته تحقیق

| متغیرها | ابعاد متغیرها | میزان آلفای کرونباخ | میزان آلفای کل |
|---------------|---------------------------|---------------------|----------------|
| شادی | احساسی | ۰/۷۰۸ | ۰/۸۴۱ |
| | اجتماعی | ۰/۷۵۶ | |
| | شناختی | ۰/۸۳۰ | |
| سرمایه فرهنگی | سرمایه فرهنگی تجسم یافته | ۰/۶۶ | ۰/۷۸۱ |
| | سرمایه فرهنگی عینیت یافته | ۰/۷۱ | |

تعریف مفاهیم

در این تحقیق شادی متغیر وابسته می‌باشد. در این تحقیق شادی دارای سه جزء اساسی احساسی (عاطفی)، شناختی و اجتماعی است. جزء عاطفی باعث حالات هیجانی مثبت، جزء شناختی موجب برخورداری از تفکری می‌شود که وقایع روزمره را با خوش بینی تعبیر و تفسیر می‌کند، جزء اجتماعی نیز منجر به روابط اجتماعی گسترده و مثبت با دیگران می‌شود (ظهور و فکری، ۱۳۸۲: ۶۴). به منظور سنجش شادی، گنجی در تحقیق خود در ارزیابی و بازبینی مجدد پرسشنامه آکسفورد، شادی را به سه بعد احساسی، شناختی و اجتماعی تقسیم بندی نموده است. در این پرسشنامه جدید که از پرسشنامه شادی آکسفورد (به ویژه در بعد احساسی) استفاده شده، گویه‌ها با قالبی متفاوت از نوع لیکرت طراحی و برخی گویه‌های جدید اضافه شده‌اند. همچنین این پرسشنامه با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ، پایایی و روایی لازم را بدست آورده است (گنجی، ۱۳۸۷: ۱۶۲). دامنه نمرات نیز از ۰-۱۲۰ می‌باشد. سطح سنجش نیز فاصله‌ای است.

سرمایه فرهنگی متغیر مستقل در این تحقیق می‌باشد که قدرت شناخت و قابلیت استفاده از کالاهای فرهنگی در هر فرد تعریف شده است (فکوهی، ۱۳۸۱: ۳۰۰). به باور تیلور، سرمایه فرهنگی از مؤلفه‌های بسیاری تشکیل شده است، برای مثال در یک فرهنگ غربی، دانش، زبان، سلائق و سبک‌های زندگی و آنچه به آن فرهنگی فرهیختگان می‌گویند. همچنین سرمایه فرهنگی، حاصل تحصیلات، مدارک‌ها، مهارت‌ها و تجربه‌هایی است که مجوز ورود به عرصه‌هایی را برای شخص و گروه‌ها فراهم می‌سازد (خواجه نوری و مقدس، ۱۳۸۷: ۱۴۰). به نظر بورديو (۱۳۸۴)، سرمایه فرهنگی در درون یک فضای اجتماعی، پخش شده است و سپس به وسیله میراث، انتقال یافته و بالاخره به صورت فرهنگ سرمایه‌گذاری می‌شود. او همچنین بر این باور است که سرمایه فرهنگی به سه شکل وجود دارد:

الف) سرمایه فرهنگی تجسم یافته: که به خصائل دیرپای فکری و جسمی اشاره دارد و نمی‌توان

آن را به دیگران واگذار کرد. مثل حافظه، مهارت‌های تجربی و رفتاری. (ب) سرمایه فرهنگی عینیت‌یافته: که به شکل کالاهای فرهنگی وجود دارد. این سرمایه قابل انتقال به دیگران است و شامل اشیاء مادی مثل رسانه‌ها، کتاب‌ها، لغت نامه‌ها، ادوات و ماشین آلات می‌شود.

(ج) سرمایه فرهنگی نهادینه شده: که به کمک ضوابط اجتماعی و بدست آوردن عناوین برای افراد مانند مدرک تحصیلی و آموزشی کسب موقعیت می‌کند (بورديو، ۱۳۸۴).

برای سنجش سرمایه فرهنگی تجسم‌یافته که همان داشتن مهارت‌های فرهنگی است از ۹ گویه استفاده شده است. برای سنجش این بعد از سرمایه فرهنگی، ۱۶ گویه که همان استفاده از امکانات فرهنگی است، تنظیم شده و برای آن مانند بعد تجسم‌یافته از طیف لیکرت استفاده شده است. برای سنجش سرمایه فرهنگی نهادینه شده نیز از ۶ گویه استفاده شده که شامل دارا بودن مدارک مختلف تحصیلی - علمی، هنری، ورزشی و حرفه‌ای است و به صورت پرسش مستقیم که آیا شما دارای مدرک در زمینه‌های تحصیلی، زبان، هنری، ورزش و ... هستید؟ و با پاسخ بلی و خیر سنجیده شده است.

یکی دیگر از متغیرهای مستقل تحقیق، پایگاه اقتصادی- اجتماعی است که عبارتست از وضع و اعتبار اجتماعی که در بطن جامعه‌ای که فرد در آن زندگی می‌کند به او در ابعاد مختلف تفویض می‌شود (دهقانی، ۱۳۹۰: ۱۲۹). برای دستیابی به شاخص پایگاه اقتصادی- اجتماعی، ابعاد تحصیلات، منزلت شغلی و درآمد (فرد، پدر، مادر و همسر) با هم جمع زده شده‌اند.

یافته‌های تحقیق

یافته‌ها از ۳۸۰ پرسشنامه مورد بررسی قرار گرفته نشان می‌دهند که ۵۲/۴ درصد آنها زن و ۴۷/۶ درصد آنها نیز مرد بوده‌اند. همچنین از میان پاسخگویان تحقیق ۷۴/۷ درصد کل پاسخگویان مجرد بوده‌اند و ۲۳/۹ درصد آنها نیز متأهل بوده‌اند. ۱/۳ درصد کل پاسخگویان نیز مطلقه بوده‌اند. ۱۲/۶ درصد پاسخگویان تحصیلاتی در سطح سیکل، ۳۰/۳ درصد دارای مدرک دیپلم، ۱۵ درصد تحصیلات فوق دیپلم، ۳۳/۹ درصد لیسانس و ۸/۲ درصد نیز دارای تحصیلات فوق لیسانس و بالاتر بوده‌اند. دامنه سنی پاسخگویان نیز بین ۱۵ تا ۲۹ سال در نوسان بوده و بیشترین فراوانی آن مربوط به سن ۲۰ سالگی است.

جدول شماره ۲: توزیع درصدی متغیرهای وابسته و مستقل تحقیق

| متغیرها | پایین | متوسط | بالا | جمع کل |
|---------------------------|-------|-------|------|--------|
| شادی | ۳۲/۴ | ۳۷/۶ | ۳۰ | ۱۰۰ |
| سرمایه فرهنگی | ۳۴/۲ | ۳۲/۹ | ۳۲/۹ | ۱۰۰ |
| سرمایه فرهنگی تجسم یافته | ۳۴/۲ | ۳۸/۹ | ۲۶/۹ | ۱۰۰ |
| سرمایه فرهنگی عینیت یافته | ۳۵/۵ | ۳۴/۲ | ۳۰/۳ | ۱۰۰ |
| سرمایه فرهنگی نهادینه شده | ۴۰ | ۲۷/۱ | ۳۲/۹ | ۱۰۰ |
| پایگاه اقتصادی- اجتماعی | ۳۶/۲ | ۳۲/۸ | ۳۱ | ۱۰۰ |

همانگونه که در جدول ۲ مشاهده می شود توزیع فراوانی و درصدی متغیر وابسته و مستقل بدینگونه است که میزان شادی ۳۲/۴ درصد از پاسخگویان در حد پایین، ۳۷/۶ درصد آنها در حد متوسط و میزان شادی ۳۰ درصد کل پاسخگویان در حد بالا بوده است. بر این اساس می توان گفت که میزان شادی جمعیت نمونه در مجموع در حد متوسط می باشد.

سرمایه فرهنگی ۳۴/۲ درصد از پاسخگویان در حد پایین بوده است. ۳۲/۹ درصد کل آنها به میزانی متوسط از سرمایه فرهنگی برخوردار بوده اند و سرمایه فرهنگی ۳۲/۹ درصد از آنها نیز در حد بالا قرار داشته است. سرمایه فرهنگی را به تبعیت از بورديو به سه بعد نهادی شده، عینیت یافته و تجسم یافته تقسیم نموده و برای هر کدام از آنها معرفیهایی در نظر گرفته ایم. میزان سرمایه فرهنگی نهادی شده ۴۰ درصد از پاسخگویان در حد پایین، ۲۷/۱ درصد از پاسخگویان به میزانی متوسط و ۳۲/۹ درصد نیز به میزان بالا از سرمایه فرهنگی نهادینه شده برخوردار بوده اند. ۳۵/۵ درصد از پاسخگویان به میزانی پایین، ۳۴/۲ درصد آنها در حد متوسط و ۳۰/۳ درصد نیز در حد بالا از سرمایه فرهنگی عینیت یافته برخوردار بوده اند. همچنین ۳۴/۲ درصد از پاسخگویان در حد پایین، ۳۸/۹ درصد در حد متوسط و ۲۶/۹ درصد در حد بالا از سرمایه فرهنگی تجسم یافته برخوردار بوده اند. همچنین بر اساس یافته های جدول ۲، پایگاه اقتصادی- اجتماعی ۳۶/۲ درصد از پاسخگویان در حد پایین، ۳۲/۸ درصد در حد متوسط و ۳۱ درصد نیز در حد بالا قرار دارند.

آزمون تک متغیره فرضیه ها

جدول شماره ۳: بررسی مقایسه تفاوت شادی بر حسب جنسیت پاسخگویان

| متغیر وابسته و ابعاد آن | جنسیت | تعداد | میانگین | اختلاف میانگین | مقدار t | سطح معنی داری |
|-------------------------|-------|-------|---------|----------------|---------|---------------|
| شادی | زن | ۱۹۹ | ۵۷/۹ | ۰/۸ | -۰/۵۴۵ | ۰/۵۸۶ |
| | مرد | ۱۸۱ | ۵۸/۷ | | | |

با توجه به جدول شماره ۳، مقدار t در سطح معنی داری ۰/۵۸۶ برابر با ۰/۵۴۵ - می باشد که حاکی از آن است که بین جنسیت افراد و میزان شادی آنها رابطه معنی داری وجود ندارد.

جدول شماره ۴: بررسی مقایسه تفاوت شادی بر حسب وضعیت تأهل پاسخگویان

| متغیر وابسته و ابعاد آن | وضعیت تأهل | تعداد | میانگین | اختلاف میانگین | مقدار من یو ویتنی | سطح معنی داری |
|-------------------------|------------|-------|---------|----------------|-------------------|---------------|
| شادی | مجرد | ۲۸۹ | ۵۷/۷ | ۲/۲ | ۱۱۶۰۰/۰۰۰ | ۰/۱۲۶ |
| | متأهل | ۹۱ | ۵۹/۹ | | | |

آزمون‌های t و f آزمون‌های پارامتری هستند و بنابراین زمانی کاربرد دارند که: مشاهدات از یک جامعه نرمال انتخاب شده باشند، اطلاعاتی که با هم مقایسه می‌شوند، باید تقریباً واریانس یکسانی داشته باشند و توزیع پاسخگویان در مقولات مختلف متغیر به لحاظ تعداد به هم نزدیک باشند (کلانتری، ۱۳۸۵: ۱۱۷). اگر یکی از این شرایط موجود نباشد، باید از آزمون‌های غیر پارامتری استفاده نمود (همان: ۱۳۹). در اینجا این متغیر فاقد شرط سوم برای استفاده از آزمون‌های پارامتری است، زیرا که تعداد افراد متأهل ۹۱ نفر و مجردین ۲۸۹ نفر بوده‌اند. بنابراین تعداد نمونه‌ها در مقوله‌ها برابر نیست و نمی‌توان از آزمون t استفاده نمود که آزمونی پارامتری است. معادل ناپارامتری آزمون t آزمون من ویتنی است و در تحقیق حاضر از آن استفاده شده است. بدین طریق جدول شماره ۴ حاکی از آن است که سطح معنی داری ۰/۱۲۶ می‌باشد که این گویای آن است که بین وضعیت تأهل و میزان شادی افراد رابطه معنی داری وجود ندارد.

جدول شماره ۵: بررسی مقایسه تفاوت شادی بر حسب تحصیلات پاسخگویان

| متغیر وابسته و ابعاد آن | تحصیلات | تعداد | میانگین شادی | آزمون ناپارامتری کراسکال-والیس | | |
|-------------------------|---------------------|-------|--------------|--------------------------------|------------|-----------------|
| | | | | خی دو | درجه آزادی | سطح (معنی داری) |
| شادی | سیکل | ۴۸ | ۶۳/۵ | ۸/۰۴۸ | ۳ | ۰/۰۴۵ |
| | دیپلم | ۱۱۵ | ۵۶/۷ | | | |
| | فوق دیپلم | ۵۷ | ۵۹/۲ | | | |
| | لیسانس | ۱۲۹ | ۵۷/۲ | | | |
| | فوق لیسانس و بالاتر | ۳۱ | ۶۰/۴ | | | |
| | جمع کل | ۳۸۰ | ۵۸/۳ | | | |

در اینجا نیز متغیر تحصیلات همانند متغیر وضعیت تأهل، فاقد شرط سوم برای استفاده از آزمون‌های پارامتریک است و شامل بیش از دو گروه می‌باشد. از این رو از آزمون غیرپارامتری کروسکال والیس استفاده می‌شود. بر اساس جدول شماره ۵، سطح معنی‌داری بدست آمده از آزمون کراسکال والیس (مبتنی بر χ^2 دو) ۰/۰۴۵ می‌باشد که به لحاظ آماری معنی‌دار است. یعنی بین میزان شادی افراد بر حسب میزان تحصیلات آنها تفاوت‌هایی معنی‌دار وجود دارد. میانگین میزان شادی دارندگان مدرک دیپلم پائین‌تر از سایر گروه‌ها و میانگین شادی افرادی که تحصیلاتی در حد سیکل دارند، بالاتر از سایر گروه‌هاست. بعد از دارندگان مدرک سیکل به ترتیب، میانگین شادی دارندگان مدرک فوق لیسانس و بالاتر، مدرک فوق دیپلم، مدرک لیسانس و مدرک دیپلم قرار دارد. بر این اساس می‌توان گفت که افرادی که دارای تحصیلات پائین و یا بالا هستند از افرادی که تحصیلات متوسط دارند، شادترند.

سن و پایگاه اقتصادی - اجتماعی از دیگر متغیرهای زمینه‌ای در این تحقیق هستند. یافته‌های جدول شماره ۶ نشان می‌دهند که مقدار χ^2 پیرسون بدست آمده از رابطه میان پایگاه اقتصادی - اجتماعی و شادی ۰/۲۳۶ و در سطح ۰/۹۹ معنی‌دار است. این درحالیست که رابطه سن و شادی معنی‌دار نمی‌باشد.

همچنین مقدار χ^2 پیرسون بدست آمده از رابطه میان سرمایه فرهنگی و میزان شادی ۰/۳۰۱ و سطح معنی‌داری آن ۰/۰۰۰ می‌باشد که از نظر آماری در سطح ۰/۹۹ معنی‌دار است. یعنی بین دو متغیر رابطه وجود دارد. جهت رابطه مستقیم است، یعنی هرچه قدر میزان سرمایه فرهنگی افراد بالاتر باشد، میزان شادی آنها نیز افزایش می‌یابد. شدت رابطه میان دو متغیر در حد متوسط است.

جدول شماره ۶: ضریب همبستگی بین شادی و متغیرهای مستقل مورد مطالعه

| سطح معناداری | ضریب همبستگی | متغیرهای مستقل تحقیق |
|--------------|--------------|---------------------------|
| ۰/۰۰۰ | ۰/۳۰۱ | سرمایه فرهنگی |
| ۰/۰۰۰ | ۰/۲۳۸ | سرمایه فرهنگی تجسم یافته |
| ۰/۰۰۰ | ۰/۲۸۹ | سرمایه فرهنگی عینیت یافته |
| ۰/۰۳۳ | ۰/۱۱۱ | سرمایه فرهنگی نهادینه شده |
| ۰/۰۰۰ | ۰/۲۳۶ | پایگاه اقتصادی - اجتماعی |
| ۰/۰۶۷ | -۰/۰۹۵ | سن |

با توجه به نتایج جدول شماره ۶، مقدار χ^2 پیرسون بدست آمده از رابطه میان سرمایه فرهنگی

تجسم یافته و میزان شادی ۰/۲۳۸ و سطح معنی داری ۰/۰۰۰ می باشد که از نظر آماری در سطح ۰/۹۹ معنی دار است. همچنین مقدار r پیرسون بدست آمده از رابطه میان سرمایه فرهنگی عینیت یافته و میزان شادی ۰/۲۸۹ و سطح معنی داری ۰/۰۰۰ می باشد که از نظر آماری در سطح ۰/۹۹ معنی دار است. مقدار r پیرسون بدست آمده از رابطه میان سرمایه فرهنگی نهادینه شده و میزان شادی نیز ۰/۱۱۱ و سطح معنی داری آن ۰/۰۳۳ می باشد که از نظر آماری در سطح ۰/۹۵ معنی دار است و بین دو متغیر رابطه وجود دارد. جهت رابطه هر سه بعد سرمایه فرهنگی با شادی مستقیم است، یعنی هر چقدر میزان سرمایه فرهنگی تجسم یافته، عینیت یافته و نهادینه شده افراد بالاتر باشد، میزان شادی آنها نیز افزایش می یابد. شدت رابطه نیز میان هر سه بعد سرمایه فرهنگی و شادی در حد ضعیف است. یعنی افزایش در میزان هر یک از سه بعد سرمایه فرهنگی افزایش اندکی در شادی افراد بوجود می آورد. این نتایج با یافته های ربانی و همکاران (۱۳۸۶) همخوانی دارد.

تحلیل چند متغیره

تحلیل رگرسیونی برای ابعاد مختلف متغیر مستقل (سرمایه فرهنگی) و متغیرهای زمینه ای (تحصیلات و پایگاه اقتصادی- اجتماعی) به منظور تبیین تغییرات متغیر وابسته (شادی) انجام شده است که نتایج آن در جداول ۷ و ۸ قابل مشاهده است:

جدول شماره ۷: خلاصه شاخص های آماری رگرسیون چند گانه برای تبیین میزان شادی

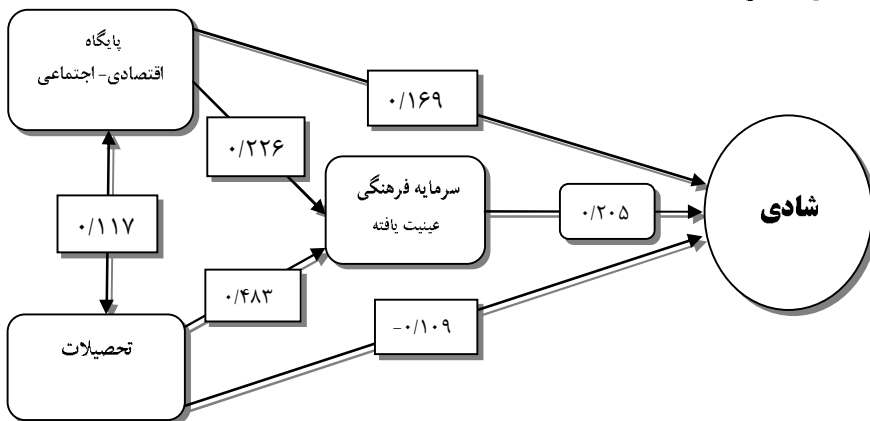
| ضریب همبستگی چندگانه (R) | مربع ضریب همبستگی چندگانه (R Square) | مربع ضریب همبستگی چندگانه تعدیل یافته (Adjusted R Square) | مقدار آزمون مقایسه میانگین ها (F) | سطح معنی داری آزمون F(Sig) |
|--------------------------|--------------------------------------|---|-----------------------------------|----------------------------|
| ۰/۳۶۰ | ۰/۱۳۰ | ۰/۱۱۸ | ۱۰/۷۱۵ | ۰/۰۰۰ |

جدول شماره ۸: تحلیل چند متغیره؛ بررسی تأثیر همزمان متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته (شادی)

| سطح معنی داری sig | مقدار T | ضریب تاثیر استاندارد Beta | ضریب تأثیر غیر استاندارد B | متغیرهای مستقل | |
|----------------------|---------|------------------------------|-------------------------------|---------------------------|------------------------|
| ۰/۰۰۰ | ۱۱/۴۵۴ | | ۴۲/۲۲۵ | مقدار کل | |
| ۰/۱۰۶ | ۱/۶۲۲ | ۰/۱۰۸ | ۰/۲۷۷ | سرمایه فرهنگی تجسم یافته | ابعاد سرمایه فرهنگی |
| ۰/۰۰۱ | ۳/۴۵۹ | ۰/۲۰۵ | ۰/۳۸۹ | سرمایه فرهنگی عینیت یافته | |
| ۰/۹۹۲ | ۰/۰۱۰ | -۰/۰۰۱ | -۰/۰۰۶ | سرمایه فرهنگی نهادینه | |
| ۰/۰۳۸ | -۲/۰۸۰ | -۰/۱۰۹ | -۱/۲۴۱ | تحصیلات | |
| ۰/۰۰۱ | ۳/۲۵۸ | ۰/۱۶۹ | ۰/۹۸۲ | پایگاه اقتصادی- اجتماعی | |

نتایج جدول ۸ نشان می‌دهد که رابطه تحصیلات با شادی در سطح ۹۵ درصد معنی دار است. از میان ابعاد سرمایه فرهنگی نیز، تنها سرمایه فرهنگی عینیت یافته در سطح ۹۹ درصد با شادی رابطه معنی دار دارد و دو بعد تجسم یافته و نهادینه شده با شادی رابطه معنی دار نداشتند. همچنین سطح معنی داری به دست آمده از پایگاه اقتصادی- اجتماعی (۰/۰۰۱) است که نشان دهنده آن است که رابطه میان شادی و پایگاه اقتصادی- اجتماعی به لحاظ آماری معنی دار و جهت رابطه مستقیم است. اما جهت رابطه در مورد تحصیلات معکوس است. یعنی با افزایش تحصیلات در جوانان، شادی کاهش می‌یابد و در مورد سرمایه فرهنگی عینیت یافته جهت رابطه مستقیم است. یعنی افزایش میزان آن موجب افزایش در میزان شادی می‌شود. این یافته کاملاً با نتیجه تحقیق ربانی و همکاران (۱۳۸۶) همخوانی دارد. از میان متغیرهای مذکور مقدار بتای بعد عینیت یافته ۰/۲۰۵ بوده و از سایر ابعاد بالاتر است. همچنین از آنجاییکه در روش اینتر کلیه متغیرها همزمان وارد معادله رگرسیون می‌شوند، بنابراین R2 دست آمده (Adjusted R Squar) نشان می‌دهد که متغیرهای مستقل در مجموع چند درصد از تغییرات متغیر وابسته را تبیین می‌کنند (کلانتری، ۱۳۸۵: ۱۸۱). مقدار R2 بدست آمده در تحقیق کنونی، ۰/۱۱ می‌باشد که نشان می‌دهد مجموع متغیرهای مستقل تحقیق، ۱۱ درصد از تغییرات متغیر وابسته را تبیین می‌کنند. به عبارتی، ۱۱ درصد از تغییرات میزان شادی ناشی از سرمایه فرهنگی عینیت یافته، پایگاه اقتصادی- اجتماعی و تحصیلات بوده و ۸۹ درصد تغییرات باقیمانده متأثر از عوامل و متغیرهایی است که در تحقیق حاضر مد نظر نبوده‌اند.

تحلیل مسیر



شکل شماره ۳: تحلیل مسیر

همانگونه که مدل تحلیل مسیر نشان می‌دهد از میان متغیرهای مستقل وارد شده در معادله رگرسیونی، متغیرهای سرمایه فرهنگی عینیت‌یافته، پایگاه اقتصادی-اجتماعی و تحصیلات دارای اثرات مستقیم روی شادی هستند. به نحوی که سرمایه فرهنگی عینیت‌یافته با ضریب مسیر ۰/۲۰۵ دارای بیشترین اثر مستقیم و اولین تبیین‌کننده میزان شادی است. پس از آن پایگاه اقتصادی-اجتماعی با ضریب مسیر ۰/۱۶۹ و تحصیلات با ضریب مسیر ۰/۱۰۹ بر شادی تأثیر می‌گذارند. همچنین بر اساس مدل، متغیرهای پایگاه اقتصادی-اجتماعی با ضریب مسیر ۰/۳۲۳ و تحصیلات با ضریب مسیر ۰/۴۶۸ دارای اثرات غیر مستقیم روی شادی هستند. بدین طریق تحصیلات دارای بیشترین تأثیر غیر مستقیم است. مجموع اثرات مستقیم و غیر مستقیم نیز نشان دهنده آن است که پایگاه اقتصادی-اجتماعی با ضریب مسیر ۰/۲۰۶ دارای بیشترین تأثیر بر روی شادی است و مهم‌ترین تبیین‌کننده شادی جوانان در شهر بابلسر به شمار می‌رود. پس از آن به ترتیب سرمایه فرهنگی عینیت‌یافته با ضریب مسیر ۰/۲۰۵ و تحصیلات با ضریب مسیر ۰/۰۶۲۲ روی شادی تأثیر می‌گذارند.

بحث و نتیجه‌گیری

شادی یکی از مهمترین خواسته‌های فطری و نیازهای روانی است که می‌تواند برای تمامی گروه‌های سنی به ویژه جوانان، تعلق خاطر به محیط، انگیزه برای زندگی و تلاش در جهت اهدافشان به وجود آورد. بر اساس گفته داینر و لوکاس (۲۰۰۰) رهیافت‌های فرهنگی نسبت به رفتار انسانی مبتنی است بر این ایده، که ما چه کسی هستیم، چه احساسی داریم، چگونه فکر و چگونه عمل می‌کنیم. تمامی این‌ها با فرهنگی که در آن زندگی می‌کنیم تعیین می‌شود. این

رهیافت‌ها نسبت به فهم شادی بر این گزاره استوار هستند که تفاوت‌های شادی در جوامع، تنها به خاطر عواملی که با فرهنگ همپوشانی دارند مرتبط نیستند، بلکه شادی می‌تواند به طور مستقیم تحت تأثیر عوامل فرهنگی قرار گیرد.

یکی از این عوامل فرهنگی که در این تحقیق مدنظر بوده و بر شادی تأثیرگذار است، سرمایه فرهنگی است. ربانی و همکاران (۱۳۸۶) معتقدند سرمایه فرهنگی همواره با احساس شادمانی همبسته است به طوری که به نظر می‌رسد با افزایش آن میزان شادی نیز افزایش می‌یابد، اگرچه این همبستگی ممکن است ضعیف باشد. از سوی دیگر، بورديو در نظریه خود بیان می‌کند که سرمایه فرهنگی فراتر از سرمایه اجتماعی و اقتصادی قرار می‌گیرد و نشان می‌دهد که چطور سرمایه فرهنگی می‌تواند عاملی برای انباشت سرمایه اقتصادی شود. بورديو فرهنگ را مانند نوعی اقتصاد یا بازار در نظر می‌گیرد. در این بازار، انسان‌ها بیشتر از سرمایه فرهنگی خود مایه می‌گذارند تا سرمایه اقتصادی. این سرمایه بیشتر از خاستگاه طبقه اجتماعی مردم و تجارب آموزشی‌شان سرچشمه می‌گیرد. در این بازار، انسان‌ها سرمایه‌شان را جمع می‌کنند و آن را برای بهبود جایگاه اجتماعی‌شان هزینه می‌کنند (ریترز، ۱۳۷۴: ۷۲۸). بر همین اساس، در این تحقیق به بررسی تأثیر متغیر سرمایه فرهنگی بر شادی جوانان پرداخته شد. همچنین مطالعه تأثیر ابعاد مختلف سرمایه فرهنگی (تجسم‌یافته، عینیت‌یافته و نهادینه شده) بر شادی از دیگر اهداف این تحقیق بود.

نتایج این تحقیق حاکی از این بودند که به طور کلی شادی پاسخگویان در حد متوسط و متغیر اصلی تحقیق که سرمایه فرهنگی است با متغیر شادی رابطه معنی‌دار دارد. هر چند که شدت این رابطه ضعیف است.

همچنین طبق یافته‌ها، بین جنسیت افراد و میزان شادی آنها رابطه معنی‌داری وجود ندارد. این نتیجه با یافته‌های اینگلهارت (۱۹۹۰)، کشاورز (۱۳۸۴) و پناهی و دهقانی (۱۳۹۱) همخوانی دارد. این موضوع می‌تواند ناشی از عوامل یکسانی باشد که بر شادی زنان و مردان تأثیر می‌گذارد. از آنجا که شهر بابلسر و امکانات آموزشی، تفریحی و شغلی آن برای جوانان چه زن و چه مرد تقریباً یکسان است، از این رو شادی موجود در این دو جنس نیز تفاوت معناداری با یکدیگر ندارد. بین وضعیت تأهل و میزان شادی افراد نیز رابطه معنی‌داری وجود نداشت. شاید علت این امر را بتوان در افزایش سطح توقعات افراد پس از متأهل شدن و همچنین مشکلات ناشی از ازدواج دانست. همچنین بین سن افراد و شادی آنها نیز رابطه معنی‌داری وجود ندارد. این نتایج نیز با تحقیق کشاورز (۱۳۸۴) و تقی زاده (۱۳۸۵) همخوانی دارد.

نتایج دیگر نشان دادند که افرادی که دارای تحصیلات پائین و یا بالا هستند از افرادی که تحصیلات متوسط دارند، شادترند. این مسئله را می‌توان اینگونه تبیین کرد که در جمعیت

نمونه بیشتر افرادی که مدرک سیکل دارند، افراد زیر ۱۸ سال هستند و هنوز مدرک دیپلم خود را نگرفته‌اند. بدین ترتیب شادتر بودن آنها به دلیل پایین‌تر بودن مدرکشان نیست بلکه بدلیل پایین‌تر بودن سن آنهاست و آنها نیز هنوز وارد عرصه اجتماعی و مشکلات جدی جوانی نشده‌اند. از سوی دیگر افرادی که دارای تحصیلات فوق لیسانس و بالاتر هستند نیز تقریباً به لحاظ تحصیلی موفق‌تر محسوب شده و احساس خوشحالی آنها نیز بالاست. اما پایین‌تر بودن شادی افراد دارای مدارک لیسانس، فوق دیپلم و دیپلم را می‌توان بدین‌گونه تبیین کرد که تحصیلات اگر منجر به انتظاراتی شود که نتوان آنها را برآورده ساخت، تأثیرات سوء بر شادی افراد بجا خواهد گذاشت. نکته دیگر آنکه هر چقدر پایگاه اقتصادی- اجتماعی بالاتر رود، میزان شادی افراد نیز به مراتب افزایش می‌یابد. در واقع، پایگاه اقتصادی- اجتماعی یکی دیگر از تبیین کننده‌های شادی در این تحقیق به شمار می‌رود.

نتایج رگرسیون چند متغیره نیز نشان دادند که از میان متغیرهای زمینه‌ای تنها پایگاه اقتصادی- اجتماعی و تحصیلات تبیین کننده شادی هستند. همچنین از میان ابعاد سرمایه فرهنگی، تنها سرمایه فرهنگی عینیت‌یافته پیش‌بینی کننده شادی است. یعنی افزایش میزان سرمایه فرهنگی عینیت‌یافته افراد تأثیر مستقیمی بر میزان شادی آنها دارد و دو بعد سرمایه فرهنگی نهادی و تجسم‌یافته رابطه معنی‌داری با شادی نداشته‌اند. به عبارتی می‌توان گفت دارا بودن امکانات فرهنگی بیشتر از دارا بودن مهارت فرهنگی و یا مدارک و مدارج تحصیلی- فرهنگی در افزایش شادی جوانان تأثیرگذار است. این نکته نشان می‌دهد که در دسترس بودن امکانات و وسایل فرهنگی برای جوانان امروز بسیار حائز اهمیت است.

بر اساس نظر بورديو نتایج این تحقیق را می‌توان اینگونه تبیین کرد که اشکال گوناگون سرمایه قابل تبدیل به هم هستند، تحصیلات به سرمایه اقتصادی قابل تبدیل است و گاه ممکن است به سرمایه اجتماعی بدل شود. بورديو، تحصیلات را نمودی از سرمایه فرهنگی می‌داند، لیکن گرایش به کالاهای فرهنگی و جمع شدن محصولات فرهنگی در نزد فرد نیز سرمایه فرهنگی او را تشکیل می‌دهد (فاضلی، ۱۳۸۲: ۱۰۲).

به این ترتیب که تحصیلات و داشتن مدارک عالی، مشاغل پردرآمدی را در اختیار فرد قرار می‌دهد که با قرار گرفتن در آن موقعیت‌ها می‌تواند نه تنها به پول، بلکه به قدرت نیز دست یابد و از نمادهایی هم برای مشروعیت بخشیدن به موقعیت خود استفاده کند (ممتاز، ۱۳۸۳: ۱۵۱). از سوی دیگر، طبقات بالا، بیشترین میزان سرمایه را دارد و طبقات متوسط مقدار کمتری و طبقات پایین کمترین میزان را داراست (ترنر، ۱۹۹۸: ۵۱۳)، به همین نسبت نیز میزان موفقیت و شادمانی در بین طبقات بالا، متوسط و پایین متفاوت است. از این رو می‌توان گفت که با بالاتر بودن میزان تحصیلات و پایگاه اقتصادی- اجتماعی که هر کدام به

نحوی قابل تبدیل به یکدیگر هستند، قطعاً دسترسی به امکانات فرهنگی نیز بالاتر خواهد بود. بدین طریق، مجموعه این عوامل خود باعث افزایش شادمانی و نشاط در جوانان خواهد شد. در اینجا به چند پیشنهاد که می‌تواند در افزایش شادی جوانان نقش داشته باشد، اشاره می‌شود:

- اصلاح باورهای فرهنگی در مورد شادی جوانان
- فرهنگ سازی و آگاهی رسانی در مورد مفهوم شادی و زندگی شاد
- افزایش امکانات و تسهیلات فرهنگی - آموزشی برای جوانان
- افزایش مکان‌هایی همچون فرهنگسراها برای گسترش مهارت‌های فرهنگی مانند: شعر، موسیقی، نقاشی، خطاطی، هنرهای تجسمی، سفالگری و ...
- ایجاد کتابخانه‌های عمومی و کتابخانه‌های سیار و مجازی برای جوانان
- ایجاد پایگاه‌های نشاط برای برنامه‌های تفریحی - سرگرمی.

منابع

- آرگایل، مایکل (۱۳۸۳) روان‌شناسی شادی، ترجمه مسعود گوهری انارکی و دیگران، اصفهان: انتشارات جهاد دانشگاهی اصفهان.
- آیزنک، مایکل دبلیو (۱۳۷۸) روان‌شناسی شادی، ترجمه مهرداد فیروزبخت و خشایار بیگی، تهران: انتشارات بدر.
- اسکندری، محمد (۱۳۸۹) «بررسی عوامل موثر بر گرایش جوانان به سوء مصرف مواد مخدر صنعتی»، *فصلنامه امنیت اجتماعی*، شماره ۲۱: ۳۲-۱۱.
- اقلیما، مصطفی؛ ابراهیم نجف‌آبادی، اعظم (۱۳۹۰) «بررسی تأثیر میزان سرمایه فرهنگی در میزان احساس شادی زنان جوان (۱۵-۲۴ ساله) در شهر اصفهان»، *مجله جامعه‌پژوهی فرهنگی*، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال دوم، شماره ۱: ۲۴-۱.
- انوری، حسن (۱۳۸۱) فرهنگ بزرگ سخن، تهران: انتشارات سخن، ج. ۵.
- بوردیو، پیر (۱۳۸۴) شکل‌های سرمایه، ترجمه افشین خاکباز و حسن پویان، تهران: انتشارات شیرازه.
- پناهی، محمدحسین؛ دهقانی، حمید (۱۳۹۱) «بررسی عوامل مؤثر بر شادی دانشجویان با تأکید بر مشارکت اجتماعی»، *جامعه‌شناسی کاربردی*، سال بیست و سوم، شماره پیاپی ۴۷، (۳): ۴۷-۱.
- پیل، نورمن (۱۳۷۱) مثبت درمانی، ترجمه توراندخت تمدن، تهران: انتشارات روشنفکران.
- تاجبخش، کیان (۱۳۸۴) سرمایه اجتماعی، اعتماد، دموکراسی و توسعه، ترجمه افشین خاکباز و حسن پویان، تهران: انتشارات شیرازه.
- تاسیگ، مارک؛ میکلو، جانث و سویدی، سری (۱۳۸۶) جامعه‌شناسی بیماری روانی، ترجمه احمد عبداللهی، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- تقی زاده، کبری (۱۳۸۵) «بررسی رابطه بین رضایت شغلی با شادمانی و سرزندگی در بین اعضای هیئت علمی دانشگاه اصفهان»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد مدیریت آموزشی دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه اصفهان.
- خدایی، ابراهیم (۱۳۸۸) «بررسی رابطه سرمایه اقتصادی و فرهنگی والدین دانش‌آموزان با احتمال قبولی آن‌ها در آزمون سراسری سال تحصیلی ۱۳۸۵»، *فصلنامه انجمن آموزش عالی ایران*، سال اول، شماره ۴: ۸۴-۶۵.
- خواجه نوری، بیژن و مقدس، علی اصغر (۱۳۸۷) «بررسی عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر میزان گذران اوقات فراغت؛ مورد مطالعه: دانش‌آموزان دبیرستانی شهرستان آباد»، *پژوهشنامه علوم انسانی و اجتماعی، ویژه‌نامه‌ی پژوهش‌های اجتماعی*، شماره ۲: ۱۵۶-۱۳۳.
- دهقانی، حمید (۱۳۹۰) «رابطه‌ی مشارکت اجتماعی با شادمانی دانشجویان»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبایی.
- ربانی، رسول؛ ربانی، علی؛ عابدی، محمدرضا و گنجی، محمد (۱۳۸۶) «فرهنگ و شادی: رویکردی نظری و تجربی در زندگی روزمره سرپرستان خانوار در شهر اصفهان»، *انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و*

ارتباطات، سال سوم، شماره ۸: ۷۸-۴۱.

- رحیمی یگانه، زهرا (۱۳۸۶) خانواده شاد و با نشاط (خانواده موفق/دفتر ۳)، تهران: سازمان ملی جوانان، چاپ اول.
- رضانی، محمد (۱۳۸۴) « تبیین رابطه سرمایه فرهنگی خانواده‌ها با هویت اجتماعی جوانان (مطالعه موردی دانشجویان دانشگاه کاشان)»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته جامعه‌شناسی، دانشگاه اصفهان.
- روح الامینی، محمود (۱۳۷۲) زمینه فرهنگ‌شناسی، تهران: انتشارات عطار.
- ریتزر، جرج (۱۳۷۴) نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی.
- ریو، جان مارشال (۱۳۷۶) انگیزش و هیجان، ترجمه: یحیی سید محمدی، موسسه نشر ویرایش.
- شارع پور، محمود و خوش فر، غلامرضا (۱۳۸۱) « رابطه سرمایه فرهنگی با هویت اجتماعی جوانان (مطالعه موردی شهر تهران)»، نامه علوم اجتماعی، شماره ۲۰: ۱۴۸-۱۳۳.
- شعاری نژاد، علی اکبر (۱۳۸۷) روان‌شناسی رشد ۲، تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور.
- طاهریان، م (۱۳۸۱) «چرا شادی از جامعه ما رخت بر بسته است»، روزنامه اعتماد، ۸۱/۱۰/۲۱، ص ۴.
- ظهور، علیرضا؛ فکری، علیرضا (۱۳۸۲) « وضعیت شادابی دانشجویان دانشکده مدیریت و اطلاع رسانی پزشکی دانشگاه علوم پزشکی ایران»، ارمغان دانش، سال هشتم، شماره ۳۰: ۷۲-۶۳.
- عابدی، محمدرضا (۱۳۸۱) « بررسی و مقایسه اثر بخشی روش‌های مشاوره شغلی به سبک نظریه یادگیری اجتماعی، سازگاری شغلی و مدل شناختی رفتاری فوردایس بر کاهش افسردگی شغلی مشاوران آپ.شهر اصفهان»، پایان‌نامه دکتری مشاوره، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه علامه طباطبایی تهران.
- فاضلی، محمد (۱۳۸۲) مصرف و سبک زندگی، قم: انتشارات صبح صادق.
- (۱۳۸۴) « جامعه‌شناسی مصرف موسیقی»، فصلنامه انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات، شماره ۴: ۵۴-۲۷.
- فکوهی، ناصر (۱۳۸۱) تاریخ اندیشه و نظریه‌های انسان‌شناسی، تهران: نشر نی.
- کارلسون، ریچارد (۱۳۸۰) شادمانی پایدار، ترجمه ارمغان جزایری، تهران: نشر البرز.
- کروی، مهدی (۱۳۸۷) « فرهنگ قومی، سرمایه فرهنگی و صنعت گردشگری»، فصلنامه علمی-پژوهشی رفاه اجتماعی، سال هفتم، شماره ۲۸: ۳۲۴-۳۰۹.
- کشاورز، امیر (۱۳۸۴) « بررسی رابطه بین شادکامی با سرزندگی، جزمیت - انعطاف‌پذیری و ویژگی‌های جمعیت‌شناختی در مردم شهر اصفهان»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی عمومی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه اصفهان.
- کلانتری، خلیل (۱۳۸۵) پردازش و تحلیل داده‌ها در تحقیقات اجتماعی - اقتصادی با استفاده از نرم افزار spss، تهران: انتشارات مهندسی مشاور طرح و منظر، چاپ دوم.
- گنجی، محمد (۱۳۸۷) « تحلیل عوامل جامعه‌شناختی مؤثر بر میزان احساس شادی سرپرستان خانوار در شهر اصفهان»، پایان‌نامه دکتری جامعه‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان.

- مطهری، مرتضی (۱۳۷۴) مقالات فلسفی، قم: انتشارات صدرا، جلد دوم.
- معین، محمد (۱۳۷۶) فرهنگ فارسی، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- ممتاز، فریده (۱۳۸۳) «مفهوم طبقه از دیدگاه بوردیو»، *پژوهشنامه علوم انسانی*، دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۴۴: ۱۶۰-۱۴۹.
- نوغانی، محسن (۱۳۸۶) «تأثیر نابرابری سرمایه فرهنگی بر موفقیت تحصیلی دانش آموزان پیش دانشگاهی در دست‌یابی به آموزش عالی»، *فصلنامه تعلیم و تربیت*، شماره ۹۱: ۱۰۱-۷۱.
- هزار جریبی، جعفر و صفری شالی، رضا (۱۳۸۹) «بررسی مفهوم شادکامی اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن (مطالعه موردی در استان مرکزی)»، *فصلنامه برنامه ریزی رفاه و توسعه اجتماعی*، سال دوم، شماره ۳: ۷۲-۳۱.
- Abbott, P. & Sapsford, R.(2006). "Life Satisfaction in Post-Soviet Russia and Ukraine". *Journal of Happiness Studies*, 7, 251-287.
- Bauman, Z.(2009). *The Art of Life*, Cambridge CB2 1UR, UK: Polity Press.
- Boroohah, V.(2006). "What Makes People Happy? Some Evidence from Northern Ireland". *Journal of Happiness Studies*, No. 7, 427-465.
- Brulde, B. (2006). "Happiness Theories of the Good Life", *Journal of Happiness Studies*, 7,1-34.
- Dickey, M. T.(1999). "The pursuit of Happiness", [http:// www.Dickey.Org/ happy.Htm](http://www.Dickey.Org/happy.Htm).
- Diener, E. & R. Lucas .(2000). "Explaining Differences in Societal Levels of Happiness". *Journal of Happiness Studies*, 1, 41-78.
- Epicurus .(1994). *The Epicurus Reader: Selected Writings and Testimonia*, Indianapolis: Hackett Publishing. Indianapolis: IN: Hackett Publishing.
- Ingelhart, R.(1990). *Culture Shift in Advanced Industrial Society*. Princeton: NJ: Princeton University Press.
- Kesebir P. and Diener Ed .(2008)." In Pursuit of Happiness: Empirical Answers to Philosophical Questions", *Perspectives on Psychological Science*, Volume 3(2), 117-125: <http://pps.sagepub.com/>.
- Layard, R .(2003). "The Secret of Happiness". <http://www.Findarticles.com>.
- Lu, L.(2001)."Understanding Happiness: A look into the Chinese Folk Psychology". *Journal of Happiness Studies*, 2, 407-432.
- McMahon, D.M .(2006). *Happiness: A History*. New York: Atlantic Monthly Press.
- Minkov, M .(2009)."Predictors of Differences in Subjective Well-Being Across 97 Nations ". *Cross-Culthral Research*, 2, 152-179.
- Nodding, N .(2003). *Happiness and Education*. New york: Cambridge University press.
- Oishi, S., Koo, M. & Akimoto, S .(2008)." Culture, Interpersonal Perceptions, and Happiness in Social Interactions", *Pers Soc Psychol Bull*, 34: 307-320.
- Ott, J.(2005)."Level and Inequality of Happiness in Nation, Does Greater Happiness of Greater Number Imply Greater Inequality in Happiness", *Journal of Happiness Studies*, 6:397-420.
- Ott, J .(2006). Book Reviews:" Happiness the Science Behind Your Smile". *Journal of Happiness Studies*, 7:517-522.

- Ott, J.(2010). "Good Governance and Happiness in Nations: Technical Quality Precedes Democracy and Quality Beats Size", *Journal of Happiness Studies*, 11:353–368.
- Plato.(1999). *The Symposium* (W. Hamilton, Trans.). London: Penguin Classics.
- Tatarkiewicz, W .(1976). *Analysis of Happiness*. Warsaw: Polish Scientific Publishers.
- Tkach, .C & Lyubomirsky, S.(2006)." How Do People Pursue Happiness". *Journal of Happiness Studies*, 7:183-225.
- Turner, J.H.(1998). *The Structure of Sociology and Theory*, Wadworth, Washington: Publishing Company.
- Veenhoven, R.(1984). "Date Book of Happiness", Springer Reference Series,6, 1448-1449.
- (1997). "Advances in Understanding Happiness". *French in Reve Quebeoise de psychologies*, 18:29-74.
- (2006). How do we Assess How Happy We are? Paper Presented at Conference on 'New Direction in the Study of Happiness: United States and International Perspectives', University of Notre Dame, United States, October 22-24. www.veenhoven.fsw.eur.nl.